



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرِّسَالَاتِ
عَلَيْهِمْ سَامِعَاتِ

WWW. **Ghaemiyeh** .com
WWW. **Ghaemiyeh** .org
WWW. **Ghaemiyeh** .net
WWW. **Ghaemiyeh** .ir



همراه با مصاحبه

یازدهمین نور

بیست و ششمین شماره از فصلنامه علمی و پژوهشی

پژوهش‌های فلسفی و الهیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یازدهمین نور : بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام

نویسنده:

رضا اخوی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
یازدهمین نور : بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام	۱۰
مشخصات کتاب	۱۰
اشاره	۱۰
فهرست مطالب	۱۴
فصل اول:نگاهی به زندگانی یازدهمین نور امامت	۱۶
اشاره	۱۶
ابهت ملکوتی	۱۷
پرتویی از زیبایی ها	۱۸
شرایط دشوار	۱۸
فشار ها و مشکلات دوران امامت	۱۹
ابعاد هفت گانه فعالیت امام عسکری علیه السلام	۲۰
لحظات حزن ...	۲۱
در بستر شهادت	۲۲
هراس حکومت	۲۲
به سوی فردوس	۲۲
از زاویه ای دیگر	۲۲
آموزه های زندگی	۲۴
نشانه امامت	۲۴
استجابت دعا	۲۵
سر انجام دوری از ائمه علیهم السلام	۲۶
فصل دوم: قطره هایی از دریا	۲۸
اشاره	۲۸
۱. به نام او...	۲۹

۲۹	اشاره
۲۹	برکت بسم الله
۳۰	شرط تأثیر
۳۱	۲. شرط سعادت
۳۱	اشاره
۳۱	سبک زندگی غربی
۳۳	نامه ای بدون مرگب
۳۴	۳. علامت سعادت
۳۴	اشاره
۳۴	خشیت الهی
۳۵	تضرع و بکاء؛ علامت خشیت
۳۶	بی حیایی؛ نقطه مقابل خشیت الهی
۳۷	دعای جامع امام حسین علیه السلام
۳۸	۴. کشف الوری
۴۰	۵. نماز؛ تجلی دین داری
۴۰	اشاره
۴۰	داستان ابوذر
۴۲	شیوه نماز امام عسکری علیه السلام
۴۴	۶. صراط ولایت
۴۴	اشاره
۴۴	پایان حکمیت؛ آغاز انحراف
۴۵	پیام مهم سخن امام عسکری علی السلام
۴۶	اصحاب الیمین
۴۶	جلوه ای از هدایت گری امام
۴۸	۷. آمادگی برای مرگ
۴۸	اشاره

نصیحت زیبای امام عسکری علیه السلام	۵۰
نامه ای با دستخط امام	۵۰
۸. زلال ولایت	۵۲
اشاره	۵۲
امام عسکری علیه السلام و تبیین جایگاه آل محمد صل الله علیه و اله	۵۴
۹. دو اصل ایمان	۵۵
۱۰. ارادتی این گونه.....	۵۷
اشاره	۵۷
سخنی از شهید مطهری رحمه الله علیه	۵۷
۱۱. وظایف محبان	۵۹
اشاره	۵۹
تفسیر باطنی شجره طیبه	۵۹
اهلبیت علیهم السلام ؛ حقیقت شجره طیبه	۵۹
وظایف محبان در کلام امام عسکری علیه السلام	۶۰
۱۲. طراوت ایمان	۶۳
اشاره	۶۳
راه کار های طراوت ایمان در کلام امام عسکری علیه السلام	۶۳
سیره حضرت	۶۶
۱۳. میان بر تقرب	۶۷
اشاره	۶۷
میان بری برای تقرب	۶۷
سجده و حالت های ملکوتی امام عسکری علیه السلام	۶۸
وصیت امام به شیعه	۶۹
۱۴. از حرف تا عمل	۷۰
اشاره	۷۰
شیعه یا محبّ؟	۷۱

۷۲	شیوه برخورد امام
۷۵	۱۵. گناهان کوچک؛ تله های شیطان
۷۵	اشاره
۷۵	دام های کوچک شیطان
۷۶	چند روایت تکان دهنده
۷۸	۱۶. غبارهای فتنه و شبهه
۷۸	اشاره
۷۹	نمونه ای دیگر
۸۲	۱۷. علم غیب؛ ویژگی ممتاز
۸۲	اشاره
۸۳	دو نمونه از علم غیب امام عسکری علیه السلام
۸۵	۱۸. زیرکی مؤمنانه
۸۷	۱۹. یک باور زیبا
۸۷	اشاره
۸۷	مکتب خانه ی انبیا
۹۰	۲۰. دو خصلت خاص
۹۰	سخاوت در سیره امام عسکری علیه السلام
۹۴	فصل سوم : عصر غیبت آغاز دوران انتظار
۹۴	اشاره
۹۵	آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم
۹۶	از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری
۹۷	یک نشان دادن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الان به خواص
۹۸	دو. استفاده از سنت عقیقه
۹۸	سه. خبر دادن از طریق نامهنگاری
۹۹	چهار معرفی هنگام دریافت هدایای مادی
۱۰۰	پنج. تعیین نشانه های جانشین و معرفی حضرت مهدی به عنوان جانشین خود

شش تکمیل زنجیره نیابت از طریق تربیت شاگردان ممتاز	۱۰۱
آغاز عصر غیبت	۱۰۴
عصر انتظار	۱۰۵
فصل چهارم: گل واژه های نور	۱۰۸
فصل چهارم: کتاب شناسی	۱۱۲
درباره مرکز	۱۳۱

یازدهمین نور : بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام

مشخصات کتاب

نام: کتاب یازدهمین نور

بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام

مؤلف: رضا اخوی

عجل الله تعالی: ناشر انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طراح: گرافیک: محمدحسین مؤیدی

نوبت چاپ: اول پاییز 1397 شمارگان: 10000 نسخه

شابک: 978-622-99746-1-2

ص: 1

اشاره

یازدهمین نور بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام

ص: 3

نام: کتاب یازدهمین نور

بیست قطره از دریای معارف امام حسن عسکری علیه السلام

مؤلف: رضا اخوی

عجل الله تعالی: ناشر انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طراح: گرافیک: محمدحسین مؤیدی

نوبت چاپ: اول پاییز 1397 شمارگان: 10000 نسخه

شابک: 978-622-99746-1-2

قیمت:

ص: 4

فهرست مطالب

فصل اول : نگاه به زندگانی یازدهمین نور امامت

۷

۸

۹

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۵

۱۹

۲۰

۲۰

۲۱

۲۲

۲۲

۲۴

۲۵

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۱

۳۱

۳۳

۳۵

۳۵

۳۶

۳۷

۳۷

۳۹

۴۱

۴۱

۴۳

۴۵

۴۶

۴۸

۴۸

۵۰

ابهت ملکوتی

پرتویی از زیبایی ها

شرایط دشوار

فشارها و مشکلات دوران امامت

ابعاد هفتگانه فعالیت امام عسکری علیه السلام

لحظات حزن ...

در بستر شهادت

هراس حکومت

به سوی فردوس

از زاویه ای دیگر

آموزه های زندگی

فصل دوم : قطره هایی از دریا

۱. به نام او...

برکت بسم الله

شرط تأثیر

۲. شرط سعادت

سبک زندگی غربی

نامه ای بدون مرگب

۳. علامت سعادت

خشیت الهی

تضرع و بکاء؛ علامت خشیت

بی حیایی؛ نقطه مقابل خشیت الهی

دعای جامع امام حسین علیه السلام

۴. پناه مردم

۵. نماز؛ تجلی دینداری

داستان ابوذر

شیوه نماز امام عسکری علیه السلام

۶. صراط ولایت

پایان حکمیت؛ آغاز انحراف

پیام مهم سخن امام عسکری علیه السلام

اصحاب الیمین

جلوه ای از هدایتگری امام

۷. آمادگی برای مرگ

نصیحت زیبای امام عسکری علیه السلام

نامه ای با دستخط امام

۸. زلال ولایت

امام عسکری علیه السلام و تبیین جایگاه آل محمد علیهم السلام

۹. دو اصل ایمان

۱۰. ارادتی این گونه

سخنی از شهید مطهری رحمته الله

۱۱. وظایف محبان

۵۰	تفسیر باطنی شجره‌ی طیبه
۵۰	اهلبیت علیهم‌السلام ؛ حقیقت شجره‌ی طیبه
۵۱	وظایف محبان در کلام امام عسکری علیه‌السلام
۵۴	۱۲. طراوت ایمان
۵۴	راهکارهای طراوت ایمان در کلام امام عسکری علیه‌السلام
۵۷	سیره حضرت
۵۸	۱۳. میانبر تقرب
۵۸	میانبری برای تقرب
۵۹	سجده و حالت‌های ملکوتی امام عسکری علیه‌السلام
۶۰	وصیت امام به شیعه
۶۱	۱۴. از حرف تا عمل
۶۲	شیعه یا محب؟
۶۳	شیوه برخورد امام
۶۶	۱۵. گناهان کوچک؛ تله‌های شیطان
۶۶	دام‌های کوچک شیطان
۶۷	چند روایت تکان دهنده
۶۹	۱۶. غبارهای فتنه و شبهه
۷۰	نمونه‌ای دیگر
۷۳	۱۷. علم غیب؛ ویژگی ممتاز
۷۴	دو نمونه از علم غیب امام عسکری علیه‌السلام
۷۶	۱۸. زیرکی مؤمنانه
۷۸	۱۹. یک باور زیبا
۷۸	مکتب‌خانه‌ی انبیا
۸۱	۲۰. دو خصلت خاص
۸۵	فصل سوم : عصر غیبت؛ آغاز دوران انتظار
۸۶	آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم
۸۷	از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری
۸۸	یک. نشان دادن حضرت مهدی علیه‌السلام به خواص
۸۹	دو. استفاده از سنت عقیقه
۸۹	سه. خبر دادن از طریق نامهندگاری
۹۰	چهار. معرفی هنگام دریافت هدایای مادی
	پنج. تعیین نشانه‌های جانشین و معرفی حضرت مهدی به
	عنوان جانشین خود ۹۱
۹۲	شش. تکمیل زنجیره نیابت از طریق تربیت شاگردان ممتاز
۹۵	آغاز عصر غیبت
۹۶	عصر انتظار
۹۹	فصل چهارم: گلوآژه‌های نور
۱۰۳	فصل پنجم: کتاب‌شناسی

فصل اول: نگاهی به زندگانی یازدهمین نور امامت

اشاره

ص: 7

روز جمعه هشتم ربیع الثانی سال 232 هجری قمری بود که شهر مدینه به میلاد نور عسکری علیه السّلام روشن گردید (1) و (حَدِیْثَه) و در تعبیری دیگر، «سوسن» یا «سلیل»، پس از افتخار همسری امام هادی علیه السّلام به فضیلتی دیگر دست یافت و معصوم سیزدهم امام عسکری علیه السّلام از ایشان متولد گردید و پیوند مبارک زندگی آن حضرت را، صفایی دیگر بخشید.

نام ایشان به یاد امام حسن مجتبی علیه السّلام «حسن» و کنیه اش را «ابو محمد» نامیدند. آن حضرت و پدر و جد شان هر کدام در زمان خود به احترام انتساب به امام رضا علیه السّلام، «ابن الرضا؛ یعنی فرزند رضا» نامیده می شدند (2). ایشان تا چهار سال و چند ماهگی از عمر شریف شان را در مدینه به سر بردند و تا بیست و سه سالگی در جوار پدر بزرگ وار شان در سامرا زندگی کردند و 6 سال نیز در مقام امامت و پیش وایی بودند. (3)

ابهت ملکوتی

مولود پاکیزه ای که خانه امام هادی علیه السّلام ما را روشن نمود، دارای چهره ای زیبا و جاذبه ای فوق العاده بود و کسانی که ایشان را دیده بودند، بر زیبایی و هیبت ایشان اعتراف نموده اند. «احمد ابن خاقان» که مدتی در سامرا زندگی کرده است. امام را چنین توصیف می کند: (رَجُلٌ أَسْمَرُ أَغْنَى حَسَنُ الْقَامَةِ جَمِيلُ الْوَجْهِ حَيَّةُ الْبَدَنِ حَدِيثُ السِّنِّ لَهُ جَلَالَةٌ وَ هَيْبَةٌ)؛ مردی گندم گون گشاده چشم، نیکو قامت، زیبا رو، نیکو بدن، نوجوان و بر خور دار از بزرگی و شکوه مندی بود. (4)

هیبت و خوش سیمایی آن حضرت چنان بود که افراد را تحت سیطره و جذبۀ خویش قرار می داد و جلالت و مهابت آن امام همام، دل ها را در مقابل نورانیت و چهره ملکوتی خویش خاضع و انسان ها و حتی مخالفان را به

ص: 8

1- نک: بحار الانوار علامه مجلسی، ج 50 ص 236 کافی کلینی، ج 1، ص 503 الارشاد، شیخ مفید، ص 334.

2- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 4 ص 421؛ بحار الانوار، ج 50، ص 236.

3- المناقب، ج 4، ص 422 دلائل الامامة، ص 423.

4- بحار الانوار، ج 50، ص 326

تکریم و نکوداشت و می داشت.

به گفته تاریخ، وقتی آن حضرت را نزد «علی ابن نازمش» که فردی ناصبی و دشمن اهل بیت و آل علی علیهم السلام، بود زندانی کردند، درباریان به وی سفارش کردند که بر حضرت سخت بگیرد، ولی هنوز یک روز از زندانی شدن امام علیه السلام نگذشته بود که «ابن نارمش» چنان شد که از عظمت و جلالت امام سر بلند نمی کرد و در ردیف شیعیان آن حضرت قرار گرفت. (1)

پرتویی از زیبایی ها

وجود مبارک و نورانی امام علیه السلام، آئینه زیبایی ها و جلالت هاست؛ از این رو القاب ائمه اطهار علیهم السلام، هر يك بیان گر بعدی از ابعاد وجودی آنان و جلوه گر همین زیبایی هاست. القاب امام عسکری علیه السلام نیز بیان گر پرتوی از گستره وجودی آن حضرت است؛ القابی همانند عسکری، زکی (پاک و آراسته)، صامت (سکوت همراه با ذکر الهی)، خالص (منزه از هر عیب)، هادی (هدایت کننده)، سراج (چراغ فروزنده)، تقی (پرهیز کار و تقوا پیشه) که هر کدام به سهم خود بیان گر پرتوی از نور پر فروغ آن حضرت می باشد.

شرایط دشوار

حضرت دوران امامت خود را در زمان سه خلیفه عباسی به نام های: المعتز بالله (که تا سال 255 ق حکومت کرد) و المهتدی بالله (که فقط يك سال حکومت کرد) و المعتمد بالله (که حکومتش تا 279 ق ادامه پیدا کرد) گذراند و آنان نیز همانند پیشینیان خود روش دشمنی و خصومت با اهل بیت علیهم السلام را ادامه دادند؛ با این تفاوت که فشار دشمنان و خلفا در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بنا بر دلایلی به اوج خود رسید؛ اول آن که در این زمان، شیعه در عراق به قدرتی عظیم دست یافته بود و مردم می دانستند که گروه های زیادی به خلفای وقت معترض بوده، حکومت هیچ يك از عباسیان را مشروع و قانونی نمی دانند و معتقدند که امامت تنها در فرزندان

ص: 9

حضرت علی علیه السلام باقی است که در آن زمان، شخصیت ممتاز این خانواده امام حسن عسکری علیه السلام بود.

نکته دوم و مهم تر آن که با توجه به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلفای بنی عباس می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام از خاندان علی و فاطمه است و اوست که بساط ستم گری را بر می چیند و عدالت و قسط را برقرار می کند. بدین جهت، هرچه تاریخ ولادتش نزدیک تر می شد، سخت گیری های آنان نیز بیشتر می شد؛ لذا امام هادی علیه السلام را به همراه فرزند بزرگ وارث حضرت عسکری علیه السلام به سامرا احضار کردند تا کاملاً آن حضرت را زیر نظر داشته باشند. البته به آن هم اکتفا نکردند، بلکه آنان را در سامرا در محله ای به نام «عسکر» سکونت دادند تا از دید نظامیان پنهان نمانند و رفت و آمد ها را کنترل کنند. بر این اساس است که هر دو امام به «عسکرین» لقب یافتند. (1)

هم چنین دستگاه خلافت، برای کنترل بیشتر امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت را ناگزیر کرده بود که هر هفته روز های دوشنبه و پنج شنبه در دربار حاضر شود (2) و حتی به این هم اکتفا نکرده، چندین مرتبه امام را به زندان انداختند.

فشار ها و مشکلات دوران امامت

امام علیه السلام در شش سال امامت شان سختی های فراوانی متحمل گردید و خلفای ظالم، برای جلوگیری از نفوذ معنوی حضرت، بیش ترین فشار ها را بر حضرت و شیعیان وارد می ساختند و فرصت هر گونه تحرک و اقدامی را از آنان گرفته بودند؛ به گونه ای که حضرت به یکی از غلامان خود به نام «داود بن اسود» فرمود: «اگر شنیدی کسی به ما ناسزا می گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن؛ زیرا ما در شهر و دیار بدی به سر می بریم. تو فقط

ص: 10

1- علل الشرایع شیخ صدوق، ج 1، ص 230.

2- اعلام الوری فضل بن حسن طبرسی، ص 376

کار خود را بکن و بدان که گزارش کار هایت به ما می رسد.» (1)

یکی دیگر از یاران امام می گوید: ما گروهی بودیم که وارد سامرا شدیم و مترصد روزی بودیم که امام از منزل خارج شود تا بتوانیم او را در کوچه و خیابان ببینیم. در این هنگام نامه ای به این مضمون از طرف امام به ما رسید: «هیچ کدام بر من سلام نکنید هیچ کس از شما به سوی من اشاره نکند، زیرا برای شما خطر جانی دارد!». (2)

«عبد العزیز بلخی» می گوید: روزی در خیابان نشسته بودم. ناگهان امام حسن عسکری علیه السلام را دیدم که به سوی دروازه شهر حرکت می کرد. در دلم گفتم: خوب است فریاد کنم که: مردم! این حجت خدا است، او را بشناسید. ولی با خود گفتم در این صورت مرا می کشند! برای همین سکوت کردم.

وقتی امام به کنار من رسید، با انگشت سبابه به من اشاره کرد. من به سرعت پیش رفتم و ایشان فرمود: «مواظب باش، اگر فاش کنی، هلاک می شوی!» شب که به حضور امام رسیدم، فرمود: «باید راز داری کنی و گرنه کشته می شوی؛ خود را به خطر نیندازید!» (3)

ابعاد هفت گانه فعالیت امام عسکری علیه السلام

با وجود همه فشارها، کنترل ها و مراقبت های بی وقفه حکومت عباسی امام عسکری علیه السلام يك سلسله فعالیت های سیاسی، اجتماعی و علمی در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام دادند که می توان آن ها را بدین گونه خلاصه کرد:

1. کوشش های علمی در دفاع از آیین اسلام و ردّ اشکال ها و شبهات مخالفان و نیز تبیین اندیشه صحیح اسلامی؛

2. ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان مناطق مختلف از طریق نمایندگان و

ص: 11

1- مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 427

2- بحار الانوار، ج 50، ص 269.

3- اثبات الوصیه مسعودی ص 243

3. فعالیت های سرّی سیاسی، به رغم تمامی کنترل ها و مراقبت های حکومت عباسی؛

4. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان به ویژه یاران خاص خود؛

5. تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه در برابر مشکلات؛

6. استفاده گسترده از آگاهی غیبی برای جلب منکران امامت و دل گرمی شیعیان؛

7. آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند خود امام دوازدهم. (1)

لحظات حزن ...

خلفای عباسی با وجود آن که از هر گونه اعمال فشار و محدودیت نسبت به امامان دریغ نمی کردند، اما نور خدایی ائمه طاهرين عليهم السلام خاموش شدنی نبود و روز به روز بر شکوه و جلال و نفوذ معنوی امام عليه السلام افزوده می شد. در یکی از نقل ها چنین آمده است: هر بار که امام حسن عسکری عليه السلام برای حضور اجباری در دربار خلیفه رفت و آمد می کرد، هزاران نفر جمعیت مشتاق، در مسیر حرکت امام اجتماع می کردند و آن چنان غلغله شادی به راه افکنده و ابراز احساسات می کردند که از کثرت جمعیت، راه ها بند می آمد و عبور و مرور قطع می شد. مردم با دیدن حضرت، صدا ها خاموش می شد برای حضرت راه باز می کردند. (2)

تحمل این شرایط برای حاکمان ستم گر نا ممکن بود؛ از این رو سه پیش وای بزرگ شیعه امام جواد و امام هادی و امام عسکری عليهم السلام - که در مرکز حکومت آن ها (سامرا) می زیستند، با عمر کوتاهی جام شهادت نوشیدند: امام جواد در سن 25 سالگی امام هادی در سن 41 سالگی و امام عسکری در سن 28 سالگی که جمعاً 92 سال می شود.

ص: 12

1- نک سیره پیش وایان مهدی، پیشوایی، صص 626-662

2- بحار الانوار، ج 50، ص 251 به نقل از سیره پیشوایان، ص 622

در بستر شهادت

بدین ترتیب امام حسن عسکری علیه السلام را نزد طاغوت عباسی «معمد» آوردند. او که از احترام جمیع طبقات مردم به امام و مقدم داشتن ایشان بر تمام علویان و عباسیان به تنگ آمده بود و از شنیدن فضائل حضرت، مالا مال از کینه شده بود، تصمیم گرفت ایشان را به شهادت برساند؛ لذا کشنده به امام خوراند که بر اثر آن، بدن حضرت رنجور گردید و آن زهری حضرت بستری شدند.

هراس حکومت

با این اتفاق، حکومت عباسی به شدت از به خطر افتادن سلامتی حضرت بیم ناک شد. معتمد به پنج تن از افراد مورد اعتماد و دولت مداران -از جمله «نحیر - دستور داد پیوسته در خانه امام باشند و او را در جریان تمام رویداد ها قرار دهند و هر اتفاقی می افتد به او برسانند. هم چنین یک تیم از پزشکان را مسئول بازدید صبح و عصر از حضرت کرد تا از حال جسمانی ایشان با خبر گردد! دو روز بعد بر اثر سخت شدن حال حضرت، به پزشکان دستور داد ایشان را ترک نکنند و در خانه ایشان بمانند.

به سوی فردوس

حال امام الا سخت گشت و پزشکان از ایشان نومید شدند. مرگ شتابان به ایشان نزدیک می شد. حضرت به یاد خدا دعا و تلاوت قرآن مشغول بودند به طرف قبله متوجه شدند و آیات خدا بر زبان شان جاری بود که روح مطهر شان به آسمان پرواز کرد و مورد استقبال ملائکه خداوندی قرار گرفت. (1)

از زاویه ای دیگر

امام حسن عسکری علیه السلام روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال 260 از

ص: 13

1- زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام باقر شریف قرشی مترجم حسن اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص 276-277. با اندکی تغییر.

هجرت، هنگام نماز صبح به شهادت رسید. «ابو سهل نو بختی» می گوید: در محضر امام عسکری علیه السلام بودم که امام به خادم خود فرمود: «مقداری آب با مصطکی بجوشان». پس از آن که آماده شد، مادر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را برای امام آورد، همین که خواست قدح را به دست آن جناب بدهد و حضرت بی اشامد، دست مبارکش لرزید و قدح به دندان های ثنایای نازنینش خورد و قدح را بر زمین گذاشت. حضرت به خادم خود فرمود: «داخل این اتاق می شوی و کودکی را به حال سجده می بینی، او را نزد من بیاور».

خادم گفت: من وارد اتاق شدم. ناگاه چشمم به کودکی افتاد که سر به سجده نهاده بود و انگشت سبابه را به سوی آسمان بلند کرده بود. به آن گرامی سلام کردم. آن حضرت نماز و سجده را مختصر کرد، پس از پایان نماز عرض کردم: آقای من می فرماید شما نزد او بروید. در همین هنگام مادر بزرگش آمد و دستش را گرفت و نزد پدر برد.

ابو سهل می گوید: چون آن کودک به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسید، سلام کرد. همین که امام حسن علیه السلام نگاهش به فرزندش افتاد، گریستند و فرمودند: (يَا سَيِّدَ أَهْلِ بَيْتِهِ اسْقِنِي الْمَاءَ فَإِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي)؛ ای سید اهل بیت خود؛ مرا آب بده، همانا من به سوی پروردگار خویش می روم.

آن آقا زاده قدح آب جوشانیده با مصطکی را به دست خویش گرفت و بر دهان پدر گذاشت و او را سیراب کرد. آن گاه امام فرمود: «مرا آماده کنید که می خواهم نماز بخوانم، سپس روی به فرزند کرد و فرمود: (أَبْشِرِيَا بَنِي فَأَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَرْضِهِ) پسرم بشارت باد تو را که تویی مهدی و حجت خدا بر روی زمین و تویی پسر من و منم پدر تو و تویی «م ح م د» بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بالا و پدر توست رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و تویی خاتم ائمه طاهرین و نام تو هم نام رسول

خدا است و این عهدهی است به من از پدرم و پدر های طاهرین تو؛ (صلى الله على أهل البيت ربنا إنه حميدٌ مجيدٌ) و در همان هنگام به شهادت رسید. (1)

آموزه های زندگی

در این فرصت به چند آموزه رفتاری و سبک زندگی حضرت عسکری علیه السلام اشاره کنیم که آگاهی از آن ها افزون بر آن که عظمت اخلاقی و رفتاری ایشان را بیش از پیش روشن می سازد، مسیر خدا خواهی و زندگی دینی را برای پیروان و محبان آن حضرت هم وار می سازد.

نشانه امامت

نصیر خادم می گوید: چندین مرتبه شنیدم که امام علیه السلام با غلامان ترک و رومی و غیر آن به زبان خودشان سخن می گفت. من تعجب کردم و با خودم گفتم امام علیه السلام در مدینه متولد شده و تا هنگام رحلت پدر بزرگ وارش به جایی نرفته و کسی او را ندیده است، پس چگونه به زبان های مختلف سخن می گوید؟ در همین فکر بودم، ناگاه حضرت به من رو کرد و فرمود: خداوند حجت خود را در همه چیز بر سایر مردم امتیاز بخشیده و آگاهی به زبان ها شناخت نسب ها و حوادث آینده را به او عطا فرموده است. اگر چنین نبود، تفاوتی میان امام و حجت خدا و سایر مردم نبود؛ (وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحَجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقٌ). (2)

از ما بخواه!

«ابو هاشم جعفری» هنگامی که زندانی شد، مخفیانه نامه ای به امام عسکری علیه السلام نوشت و از وضع شکنجه در زندان به حضرت شکایت کرد. حضرت در پاسخ او نوشتند: «تو امروز آزاد می شوی و نماز ظهرت را منزل خودت می خوانی». همان گونه که امام علیه السلام فرموده بود، وی همان روز آزاد شده و نماز ظهرش را در منزل خواند.

ابو هاشم می گوید: پس از رهایی از زندان از نظر تأمین هزینه های زندگی

ص: 15

1- . بحار الانوار، ج 50، ص 333؛ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج 2، ص 472

2- کافی، ج 1، ص 509

در تنگنا بودم. از این رو تصمیم گرفتم که در ضمن نامه ای چند دینار از 18 امام علیه السلام در خواست کنم؛ ولی شرم می کردم طولی نکشید که امام تا صد دینار برایم فرستاد و برایم نوشته «هر گاه محتاج شدی، خجالت نکش و پروا مکن. از من بخواه که به خواست الهی به خواسته ات می رسی» (1).

در زمانی دیگر وقتی ابوهاشم جعفری نیاز مالی خود را به اطلاع امام رساند امام کیسه ای حاوی پانصد دینار برای او فرستاد و در سخنی شگفت انگیز و سراسر مهر و عطوفت فرمودند: «ابوهاشم! این را بگیر و اگر کم است عذر ما را بپذیر!» (2).

استجاب دعا

محمد بن حسن می گوید از امام عسکری علیه السلام در ضمن نامه ای تقاضا کردم در مورد شفای درد یکی از چشم هایم دعا کند. زیرا یک چشمم کور شده و چشم دیگرم شدیداً درد می کرد و در آستانه کوری بود. حضرت در پاسخ نوشت: «خداوند چشمت را برایت نگه دارد». همین دعای حضرت موجب شفای چشمم شد. آن حضرت در پایان نامه نوشته بود: (أَجْرُكَ اللَّهُ وَأَحْسِنُ ثَوَابَكَ)؛ خداوند به تو اجر و پاداش نیکو دهد. من از این جمله امام ناراحت شدم؛ زیرا می دانستم که یکی از خویشاوندانم از دنیا رفته است که امام به من تسلیت می گوید. پس از چند روز خبر وفات پسر مرا دریافت کردم و به راز تسلیت امام آگاهی یافتم. (3).

● اسراف نکن!

محمد بن حمزه سروری گفت: نامه ای توسط ابو هاشم داود بن هاشم جعفری که با من دوست بود برای امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم. چون خیلی تنگ دست شده بودم، درخواست کردم دعا بفرماید شاید خداوند وسعتی به من عنایت کند. جواب نامه به وسیله ابو هاشم از طرف حضرت رسید.

امام علیه السلام نوشته بود خداوند تو را بی نیاز کرد، پسر عمویت یحیی ابن

ص: 16

1- کافی، ج 1، ص 508

2- کافی، ج 1، ص 507؛ کشف الغمه الاربلی، ابو الحسن، ج 3، ص 218 ج 3،

3- بحار الانوار، ج 50، ص 285

حمزه از دنیا رفت مبلغ صد هزار درهم به توارث می رسد که در آتیه نزدیکی برایت می آورند. (فَاشْكَرِ اللَّهَ وَ عَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ اِيَّاكَ وَ الْاِسْرَافَ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ)؛ خدا را سپاس گزاری کن، ولی متوجه باش از روی اقتصاد و میانه روی زندگی کنی. مبدا اسراف نمایی، زیرا اسراف عملی شیطانی است».

بعد از چند روز شخصی از حران آمد و اسنادی مربوط به دارایی پسر عمویم به من تحویل داد و فهمیدم تاریخ فوت او مطابق با روزی بود که ابو هاشم نامه حضرت عسکری را به من رسانید.

تنگ دستیام بر طرف شد حقوق خدایی که در آن مال بود خارج نموده به اهلش رسانیدم و نسبت به برادران دینی خود کمک هایی نیز کردم. پس از آن مطابق دستور امام از روی اقتصاد به زندگی خود ادامه دادم. (1)

سر انجام دوری از ائمه علیهم السلام

«محمد بن حسن بن میمون» می گوید: نامه ای به امام عسکری علیه السلام نوشتم و از فقر و تنگ دستی شکوه کردم، ولی بعداً پیش خود گفتم: مگر امام صادق علیه السلام نفرموده که: فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است و کشته شدن با ما، بهتر از زنده ماندن با دشمنان ما است.

امام در پاسخ نوشت: «هر گاه گناهان دوستان ما زیاد شود، خداوند آن ها را به فقر گرفتار می کند و گاهی از بسیاری از گناهان آنان در می گذرد. هم چنان که پیش خود گفته ای فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است. ما برای کسانی که به ما پناهنده شوند پناه گاهیم و برای کسانی که از ما هدایت بجویند نوریم ما نگه دار کسانی هستیم که برای نجات از گمراهی به ما متوسل می شوند. هر کس ما را دوست بدارد در رتبه بلند [تقرّب به خدا] با ماست و کسی که پیرو راه ما نباشد به سوی آتش خواهد رفت. (2)

ص: 17

1- بحار الانوار، ج 50 ص 245

2- مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 435

فصل دوم: قطره هایی از دریا

اشاره

ص: 19

اشاره

قیصر روم به سر دردی شدید مبتلا شده بود که تمام پزشکان از درمان او عاجز ماندند. نامه ای به محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام نوشت و گزارش حال خود را به آن حضرت عرض کرد امام علی علیه السلام الان کلاهی را نزد وی فرستاد و فرمود: آن را بر سر نهد تا شفا یابد. قیصر چون آن را بر سر گذاشت، فوراً شفا یافت و بسیار تعجب کرد پس دستور داد آن کلاه را بشکافند و ببینند داخلش چیست.

وقتی که آن را شکافتند کاغذی در آن یافتند که روی آن نوشته بود: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ). قیصر روم دریافت که شفای او از برکت بسم الله بود و برای همین مسلمان شد. (1)

برکت بسم الله

«بسم الله» گفتن یعنی رنگ و بوی خدایی دادن به کارها؛ یعنی انتساب به خداوند و نشان دادن جهت گیری توحیدی شخص مسلمان این که در زبان و عمل اذعان نماید که رفتار و کردار او با نام و یاد پروردگار متعال عجین شده و با استمداد و عنایت خداوند پایان و فرجام خوش در انتظار او خواهد بود؛ لذا پیامبر اکرم صل الله علیه و اله می فرمود: (كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُبْدَأْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَتَر) هر کار مهمی که با نام خدا آغاز نشود به انجام نیکو نخواهد رسید. (2)

عبدالله بن یحیی می گوید: به محضر امام علی علیه السلام مشرف شدم و هنگامی که خواستم بر روی تخت بنشینم پایه آن شکست و بر زمین افتادم و سرم آسیب دید حضرت علی علیه السلام فرمود: «شکر خداوندی را که کفاره گناهان شیعیان ما را در دنیا قرار داد تا همین جا پاک شوند». عبدالله می گوید: عرض کردم چه گناهی کرده ام که شکسته شدن سرم کفاره آن باشد؟ حضرت

ص: 20

1- منهج الصادقین، ج 1، ص 38 تفسیر ابو الفتح، ج 1، ص 24.

2- بحار الانوار، ج 73، ص 305

شرط تأثیر

نکته مهم برای تأثیرگذاری این ذکر مبارک، عقیده و باور قلبی به آن و این که انسان بر اثر تکرار از حقیقت و عظمت آن غافل نگردد.

نقل شده که سید مرتضی رحمة الله علیه در بغداد بود، از وسط بغداد رود خانه ای می گذشت و یکی از شاگردان او منزلش آن سوی رود خانه بود و چون می خواست به درس سید مرتضی بیاید، باید صبر می کرد تا موقع صبح پل سیاری را بر روی رود خانه قرار دهند، هنگامی که پل را می انداختند و این شخص می آمد یا درس تمام می شد و یا مقداری از وقت آن می گذشت. این شاگرد به سید پیشنهاد کرد درس را دیرتر شروع کند.

سید مرتضی دعایی نوشت و گفت: این دعا را همراه خود داشته باش و هر وقت که پل بر روی رود خانه نبود، از روی آب بیا، غرق نخواهی شد؛ اما این دعا را باز مکن و داخل آن را نگاه نکن آن شاگرد چند روزی با همان دعا از روی آب رد می شد تا این که روزی با خود گفت: این دعا را باز کنم و ببینم در آن چه نوشته است چون دعا را باز کرد دید نوشته: بسم الله الرحمن الرحيم، دوباره آن را پیچید و در جیب خود قرار داد (اما بسم الله در نظرش چیز مهمی نیامد و عقیده قبلی او سست شد) روز بعد همین که خواست از روی آب عبور کند به محض این که پا بر روی آب گذاشت، پایش در آب فرو رفت و متوجه شد که دیگر نمی تواند از روی آب عبور کند. (2)

بدین جهت است که امام حسن عسکری علیه السلام در ظمت بسم الله فرمودند: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا؛ بسم الله الرحمن الرحيم) «به اسم اعظم خدا از سیاهی چشم به سفیدی اش نزدیک تر است». (3)

ص: 21

1- نک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 45

2- داستان هایی از زندگی علما، ج 1، ص 1615

3- تحف العقول، ص 478

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: (مَنْ رَكَبَ ظَهَرَ الْبَاطِلِ نَزَلَ بِهِ دَارَ الدَّمَامَةِ)؛ هر که بر مرکب باطل نشیند در سرای پشیمانی فروزش آورد». (1)

یکی از فلسفه های ارسال رسل الهی و در تداوم آن ائمه طاهرين عليهم السلام، تبیین و نمایاندن جایگاه واقعی انسان و رساندن آنان به زندگی حقیقی و شرافت مندانه و معرفی حقیقت خلقت انسان و نمایاندن جایگاه با عظمت و والای آدمی در عالم هستی است؛ این که انسان در میان مخلوقات دارای مرتبه ای والا و ممتاز از سایر آفریده ها بوده و نباید خود را در سطح دیگر مخلوقات بسنجد و به تنزل مقام آدمیت، رضایت دهد. لازمه تحقق این مهم اجابت به خدا، رسول برگزیدگان الهی و پابندی به باید ها و نبایدهای الهی است و این که انسان دچار غفلت و تبعیت از هواهای نفسانی و دام ها و فریب های شیطانی نگردد و زندگی خود را به حد زندگی حیوانی تنزل ندهد.

خداوند متعال نیز در سوره انفال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول را اجابت کنید وقتی شما را دعوت می کنند به آن چه که به شما حیات می بخشد و شما را زنده می کند. (2)

سبک زندگی غربی

بر این باور، کسی که خدا و رسول الله صل الله علیه و اله و اهل بیت طاهرين ایشان را اجابت نکند به حیات طیبیه نمی رسد و تنها به زنده بودن به جای زندگی کردن اکتفا می نماید؛ مشابه سبک زندگی غربی و بسیاری از کشور هایی که از ایمان و بندگی خدا در آن ها خبری نیست و در مرحله حیات حیوانی متوقف شده اند. خداوند متعال این گونه زندگی را چنین به تصویر می کشد: (ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ) [ای محمد! بگذار آن ها بخورند و

ص: 22

1- بحار الأنوار، ج 78، ص 379

2- انفال / 24

بهره گیرند و آرزو ها آنان را سرگرم و غافل سازد ولی به زودی خواهند فهمید. (1)

یعنی انسانی که دچار حیات حیوانی شود و از آموزه های دینی و سبک زندگی خدا پسند دور بماند تمام همت او بر دو محور شکم و شهوت قرار می گیرد قرآن این نوع حیات را حیات حیوانی نام گذارده است.

این نوع زندگی چه بسا از جهات مادی همراه با رفاه و موفقیت ظاهری نیز باشد، ولی به تعبیر مقام معظم رهبری حفظه الله: بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد ثروت و قدرت به دست می آید، اما سعادت به دست نمی آید.

ایشان فرمودند: «هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد. این سنت الهی است حتی کسانی هم که دنبال مادیات صرف بدون معنویت می روند، اگر مدیریت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید، «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» (2) این صریح قرآن است بحث در این نیست بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد ثروت و قدرت به دست می آید، اما سعادت به دست نمی آید. (3)

از این رو خداوند متعال در آیه 12 از سوره مبارکه محمد به عاقبت زندگی کسانی اشاره کرده است که تنها به مسئله شکم اهمیت داده و برای مسائل دیگر هیچ گونه حساسی باز نکرده اند: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَهُمْ)؛ و کافران همواره سرگرم بهره گیری از [کالا و لذت های زود گذر] دنیایند و می خورند همان گونه که چهار پایان می خورند و جای گاه شان آتش است. هم چنین خطاب به پیامبر می فرماید: (قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ)؛ به او بگو از کفر و کفران کمی بهره گیر و چند روزی را به غفلت و غرور سپری کن اما بدان که از اصحاب دوزخی! (4)

ص: 23

1- سوره حجر، آیه 3

2- سوره اسراء، آیه 20

3- 1381/17/7

4- سوره زمر آیه 8

در زمان آن حضرت نیز بسیاری بودند که با عنایت حضرت در زمره شیعیان قرار گرفتند و به ندای هدایت ایشان پاسخ دادند. «محمد بن عیاش» می گوید: چند نفر بودیم که در مورد کرامات امام عسکری علیه السلام با هم گفت گو می کردیم. فردی ناصبی (دشمن اهل بیت علیهم السلام) گفت: من نوشته ای بدون مرگب برای او می نویسم، اگر آن را پاسخ داد می پذیرم که او بر حق است. ما مسائل خود را نوشتیم. ناصبی نیز بدون مرگب روی برگه ای مطلب خود را نوشت و آن را با نامه ها به خدمت امام فرستادیم. حضرت پاسخ سؤال های ما را مرقوم فرمود و روی برگه مربوط به ناصبی، اسم او و اسم پدرش را نوشت! ناصبی چون آن را دید از هوش رفت و چون به هوش آمد، حقانیت حضرت را تصدیق کرد و در زمره شیعیان قرار گرفت. (1)

امروزه نیز پیروان و شیعیان امام عسکری علیه السلام باید با تمسک حقیقی به سیره و سخن ایشان، به سرای خوش بختی و سعادت گام نهند و خود را از پیامد های عدم استجابت به آموزه های دینی مصون نگه دارند و به فرموده امام عسکری علیه السلام از پیروی سبک غیر دینی و آموزه های شیطانی پرهیز نمایند تا از ندامت و پشیمانی در دو سرارهایی یابند؛ همان گونه که آن حضرت فرمود: (مَنْ رَكَبَ ظَهَرَ الْبَاطِلِ نَزَلَ بِهَذَا التَّدَامَةِ)؛ «هر که بر مرکب باطل نشیند، در سرای پشیمانی فرودش آورد».

ص: 24

امام حسن عسکری علیه السّلام فرمودند: (مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ)؛ «کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل اخلاقی و حقوق

مردم را نکند تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند». (1)

خشیت الهی

یکی از ویژگی ها و خصلت های پسندیده فرد مسلمان رعایت حریم الهی و خوف و خشیت از پروردگار متعال است. خشیت یعنی وقتی عظمت و بزرگی یک وجود را چنان درک کنیم که احساس حقارت و نا چیزی خود را در جنب آن ببینیم، این حالت درک عجز و نا چیزی خود در برابر عظمت و بلند یک حقیقت را خشیت می گویند. به تعبیر شهید مطهری رحمه الله : خشية الله یعنی آن چنان هیبت و عظمت الهی در قلبش ورود دارد و نفوذ کرده است که تا تصور یک گناه در قلبش پیدا می شود این خشیت، گناه را عقب می زند. (2)

به بیان دیگر: خشیت، ترسی است که با تعظیم و بزرگ داشت چیزی همراه است و بیشتر این حالت از راه علم و آگاهی نسبت به چیزی که از آن خشیت و بیم، هست حاصل می شود؛ (3) از این رو در حالات امام کاظم علیه السّلام آمده است (كَانَتْ يَبْكِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى تَخْضَلَ لِحْيَتُهُ بِدُمُوعِهِ)؛ همیشه از خشیت خداوند گریه می کرد تا ریش آن حضرت از اشکش تر شود. (4)

بنا بر این «خشیت» آن حالتی است که از درک «عظمت الهی» و حقارت خویش برای انسان پیدا می شود و با ترس از عقاب و عذاب فرق می کند.

ص: 25

1- بحار الانوار، ج 68، ص 236.

2- نک سیری در سیره، نبوی ص 218.

3- المفردات فی غریب القرآن، ص 283 قرآن می فرماید: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)؛ از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند» فاطر 28/

4- بحار الانوار، ج 90، ص 336

چنین خشیتی باعث سعادت ابدی انسان، تأثیر پذیری از اندازهای آسمانی و عبرت آموزی از حوادث می گردد و انسان را در مسیر رشد و کمال معنوی یاری می رساند.

تَضَرُّع و بَکاء؛ علامت خشیت

قلب و دلی که از خوف و خشیت الهی نورانی گردیده و با دوری از گناه و معصیت، لطیف و رقیق گردیده باشد با کوچک ترین خطا و اشتباهی متنبه شده حالت پشیمانی و خجلت به او دست می دهد و از خوف و خشیت الهی گریان می گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (طُوبَى لِمَنْ لَصُورَةَ نَظَرِ اللَّهِ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَطْلُغْ إِلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ غَيْرُهُ)؛ «خوشا به حال صورتی که خداوند به آن نظر کند؛ آن که از خشیت خداوند بر گناهی گریه می کند که غیر از خداوند کسی از آن اطلاع ندارد». (1)

و حضرت علی علیه السلام می فرماید: (بُكَاءُ الْعُيُونِ وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَإِذَا وَجَدْتُمُوهَا فَاعْتَمُوا الدُّعَاءَ)؛ «گریه چشم ها و خشیت قلب ها ناشی از رحمت الهی است، پس هر وقت آن را یافتید دعا کردن را غنیمت شمارید». (2)

در واقع، تضرع و بکاء در مقابل پروردگار متعال به معنی احساس کوچکی و در ماندگی و نوعی حالت قلبی است که در پی خوف و خشیت به وجود می آید.

امام رضا علیه السلام در این باره فرمودند: (فِيمَا نَاجَى بِهِ اللَّهُ مُوسَى لَا عَلَى الطُّورِ أَنْ يَا مُوسَى أَلْبِغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَى الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي) «در آن چیزهایی که خداوند با موسی الا مناجات کرد [آمده است که]: متقربان به سوی من به چیزی همانند گریه از خوف من، به

ص: 26

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 177

2- بحار الانوار، ج 90، ص 336

من قرب پیدا نمی کنند». (1)

و امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای عز و جل به موسی علیه السلام چنین فرمود: (أَنْ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى يَا مُوسَى الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَالْوَرَعُ عَنْ مَعَاصِيٍّ وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي) «همانا بندگان من به من تقرب نجستند به چیزی که نزد من از سه خصلت محبوب تر باشد موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا آن ها کدامند؟ فرمود: ای موسی! زهد در دنیا و ورع از نافرمانی ها و گریه از ترس من». (2)

بی حیایی؛ نقطه مقابل خشیت الهی

نقطه مقابل خاشعان متضرعان و خائفان از مقام با عظمت و جبروت الهی، کسانی هستند که خوف الهی در دل آنان راه نداشته و بر اثر کثرت گناه، به قساوت قلب و بی پروایی مبتلا شده باشند. چنین افرادی نه تنها در خلوت و تنهایی از گناه شرم نمی نمایند، بلکه در جلوت و اجتماع نیز بی پروا و جسور بوده نماد های بی دینی و ظاهر غیر شرعی از خود بروز می دهند و به مقابله با اوامر شرعی و واجبات الهی می پردازند.

بی شک یکی از دلایل اصلی و بنیادین این روحیه سرکشی و گناه نداشتن خوف و خشیت الهی در دل است که به او جرأت و جسارت زیر پا نهادن دستورات الهی را می دهد و شیطان، وار در مقابل فرامین الهی تکبر می ورزد؛ همانند کسانی که در مقابل نماز کاهلی و بی اعتنائی می نمایند و یا زنان و دخترانی که پوشش و حجاب را مراعات نمی نمایند. چنین افرادی چون عظمت مقام الهی را درک نکرده اند از این رو در بی حیایی در مقابل مردم نیز برای شان عادی می گردد؛ این جاست که امام حسن عسکری علیه السلام به زیبایی می فرماید: (مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ)؛ کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل

ص: 27

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 177

2- کافی، ج ص 234 ج 15 ص 228

اخلاقی و حقوق مردم را نکند تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند.

و امام باقر علیه السلام فرمود: (فَإِذَا دَعَاكَ نَفْسُكَ إِلَى كِبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَارْزَمْ بِبَصَرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِي فَعُدَّ نَفْسَكَ فِي الْبَهَائِمِ)؛ «زمانی که نفس توبه گناه کبیره ای دعوت کرد به آسمان نگاه کن! پس اگر از کسی که در آسمان است، نترسیدی، به کسی که در زمین است نگاه کن شاید از کسانی که در زمین هستند شرم کنی. پس اگر کسی هستی که از خدا و مردم حیا نمی کنی خودت را در شمار چهار پایان به حساب آور!» (1)

دعای جامع امام حسین علیه السلام

دعای جامع، یکی از دعا های آن حضرت است که در آن، انواع ارزش های اخلاقی. معنوی مهم را از خداوند بزرگ در خواست می کند فرازی از این دعا چنین است: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى، وَمُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَعَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ وَحَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ، وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَزِينَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ، حَتَّى أَخَافَكَ)؛ «خدایا من از تو توفیق هدایت شدگان و رفتار پرهیز کاران و نصیحت کردن توبه کنندگان و عزم و اراده صابران و ترس اهل خشیت [الهی] و تلاش اهل علم و زینت پرهیز کنندگان و ترس جزع کنندگان را درخواست دارم تا از تو خوف داشته باشم!» (2)

ص: 28

1- مستدرک الوسائل، ج 11، صص 212

2- مهج الدعوات ص 157؛ بحار الانوار، ج 94، ص 191، ح 5.

بر طبق روایات و آموزه های دینی، «اهل بیت علیهم السلام» به عنوان كهف الوری و پناه مردمان معرفی شده اند. امام هادی علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره که بهترین دعا درباره امام شناسی است، می فرماید (السَّلامُ عَلَیْ اَئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَائِحِ الدُّجَى وَ اَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوَى الْاُتْهَى وَ اُولِی الْحِجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى)؛ «سلام بر امامان هدایت و چراغ های شب تار و پرچم های تقوا و صاحبان خرد و دارندگان عقل و پناه مردم».

بر این باور، ائمه طاهرین علیهم السلام پناه گاه و ملجأ مردم هستند و همان گونه که اصحاب كهف پس از تحمل مشقت های فراوان به غار پناه برده در آن آسایش یافتند، هر که به معصومین علیهم السلام پناه برد از هم و غم و نا ملایمات روحی و جسمی نجات خواهد یافت امام جواد علیه السلام می فرماید: (نَحْنُ كَهْفُكُمْ كَاصَّةُ حَابِ الْكَهْفِ)؛ ما پناه گاه شما هستیم، همان گونه که اصحاب كهف به غار پناه بردند، (شما به ما پناه آورید). (1)

در توصیف حضرت علی علیه السلام که ملجأ یتیمان و پناه بی پناهان بود نیز آمده است: (كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا)؛ «شما برای مؤمنین پناه گاه بودید». (2)

و در صلوات ماه شعبان، امامان معصوم علیهم السلام را به (كهف حصین) توصیف کرده می خوانیم: (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ) خداوند بر محمد و خاندانش درود فرست همان ها که ملجأ و پناه گاه استوار خداوند هستند». (3)

در حدیثی دیگری می خوانیم عن جابر بن عبد الله قال: (خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا وَمَعَهُ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ اَللَّامُ فَخَطَبَنَا فَقَالَ اَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ هُمْ الْكَهْفُ الْحَصِينُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ نُورُ ابْصَارِ الْمُهْتَدِينَ ...) جابر بن عبد الله می گوید: روزی حضرت رسول خدا صل الله علیه و اله به همراه حضرت علی امام حسن و امام حسین

ص: 29

1- مستدرک سفینه البحار، ج 9، ص 204.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 305

3- مفاتیح الجنان و نیز بحار الانوار، ج 87، ص 67.

عليهم السلام از خانه خارج شدند. پیامبر مردم را مخاطب قرار داد و فرمود: ای مردم اینان اهل بیت پیامبر شما هستند... اینان ملجأ و پناهگاه استوار برای مؤمنان و نور چشمی برای هدایت یافتگان» (1).

یعنی این بزرگ واران کهف و پناهگاه برای دوران خطر و احساس نا امنی و اضطراب هستند و مؤمنان با پناهندگی و التجاء به ایشان، خود را از خطرات و آسیب ها مصون می سازند؛ همان گونه که امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: (نَحْنُ كَهْفٌ لِّمَنِ التَّجَاؤُ إِلَيْنَا وَ نُورٌ لِّمَنِ اسْتِصْنَاءُ بَيْنَنَا وَ عَصَمَهُ لِمَنِ اعْتَصَمَ بَيْنَنَا مِنْ أَحَبَّاءٍ كَانَ مَعَنَا فِي السَّامِ الْأَعْلَى وَ مَنْ انْحَرَفَ عَنَّا فَإِلَى النَّارِ)؛ «ما پناهگاهی هستیم برای کسی که به ما پناه آورد و نوری هستیم برای آن که از ما پرتو طلبد و موجب مصونیت کسی که از ما پناه جوید هر که ما را دوست بدارد در مراتب بالا با ما خواهد بود و هر که از راه ما کج گردد، به سوی آتش ره خواهد برد» (2).

جالب آن که آن حضرت حتی قبل از در خواست نیز به دیگران عنایت داشتند و آنان را از کرامت و لطف خویش بهره مند می ساختند.

ابو هاشم جعفری می گوید: روزی به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آمدم و می خواستم از آن حضرت نقره ای بگیرم و انگشتری بسازم و به آن تبرک بجویم، نشستم و فراموشم شد. چون برخاستم بروم امام علیه السلام انگشتری به من داد و فرمود: نقره می خواستی ما انگشتر دادیم، نگین و اجرت ساختن آن را سود کردی گوارایت باد ای ابو هاشم!

گفتم: سرور من، گواهی می دهم تو ولی خدا و امام من هستی که اطاعتت را جزو دینم می دانم. فرمود: «خدا تو را پیامرزد ای ابو هاشم».

(3)

ص: 30

1- جامع احادیث الشیعه، ج 1، ص 71 برای اطلاع بیشتر ر: پرچم داران هدایت، تدبری در زیارت جامعه کبیره؛ سید احمد سجادی؛ انتشارات اسوه چاپ اول خرداد 1388.

2- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4 ص 435 کشف الغمه، ج 3، ص 211

3- کافی، ج 1، ص 512؛ بحار الانوار، ج 50، ص 254

قال الامام العسكري عليه السلام : (عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ : صَلَاةُ إِحْدَى وَ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ بِالْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ). (1)

«نماز»، بارز ترین جلوه بندگی حق تعالی است که افزون برده ها آیه از قرآن کریم روایات بسیاری بر آن تأکید نموده، آثار و برکات، شرایط اقامه، آن آداب اسرار و دیگر مطالب مرتبط از لسان مبارک ائمه طاهرين عليهم السلام بیان شده است.

داستان ابوذر

امام حسن عسکری علیه السلام در ذیل آیه «و یقیمون الصلاة» داستانی در مورد نماز ابی ذر نقل می کنند که پیام های زیبا و کلیدی برای زندگی دارد و این که انسان نباید به بهانه سرمایه های دنیایی، از نماز غفلت نماید.

آن حضرت فرمود: روزی حضرت ابو ذر غفاری به محضر رسول خدا صل الله علیه و اله آمده و عرضه داشت یا رسول الله! من در حدود 60 راس گوسفند دارم و نمی خواهم به خاطر آن ها همیشه در بادیه باشم و از فیض محضر شما محروم شوم و هم چنین دوست ندارم آن ها را به یک شبانی بسپارم تا به آن ها ستم کرده و حقوق شان را رعایت نکند؛ تکلیف من چیست؟

رسول خدا صل الله علیه و اله : فرمود فعلا برو و گوسفندان را بچران. ابی ذر طبق فرمان پیامبر به صحرا رفت و در روز هفتم به نزد پیامبر آمد. رسول خدا صل الله علیه و اله از وی سؤال کرد: ای اباذر! گوسفندان را چه کردی؟ او پاسخ داد: یا رسول الله گوسفندان من قصه شگفت انگیزی دارند! پیامبر فرمود: ای اباذر مگر چه شده؟ چه قصه ای؟

اباذر در پاسخ اظهار داشت: یا رسول الله! من مشغول نماز بودم گرگی به گوسفندانم حمله کرد، پس گفتم: خدایا نمازم، خدایا گوسفندانم!

ص: 31

در آن حال من متحیر بودم که نمازم را بشکنم و از گوسفندان دفاع کنم یا نمازم را ادامه دهم. ادامه نماز را انتخاب کردم، در این حال شیطان مرا وسوسه کرد و به من گفت: ای اباذر! چه می کنی؟ اگر گرگ گوسفندان را هلاک کند و تو هم چنان نمازت را ادامه دهی در دنیا سرمایه ای برای زندگی ات نخواهد ماند.

به شیطان پاسخ دادم: برای من ایمان به وحدانیت خداوند و ایمان به رسالت حضرت محمد صل الله علیه و اله و ولایت برادرش علی علیه السلام و دشمنی با دشمنان آن بزرگ واران بهترین سرمایه است که باقی خواهد ماند؛ بعد از این ها هر چه از من فوت شود اهمیتی ندارد.

در این حال نمازم را ادامه دادم و گرگ یکی از گوسفندانم را ربود، اما با حیرت تمام دیدم که در آن لحظه شیری پیدا شد و گرگ را کشته و آن گوسفند را از چنگال وی رها کرده و به داخل گله باز گردانید. سپس مرا مورد خطاب قرار داده و [با زبان فصیحی] گفت: ای اباذر! نمازت را با خیال راحت ادامه بده، خداوند تبارک و تعالی مرا مامور کرده که از گوسفندان مواظبت نمایم تا این که از نماز فارغ شوی.

من نماز را به پایان رساندم در حالی که حیرت و تعجب تمام وجودم را فرا گرفته بود و خدا می داند که چه حالی داشتم. در این موقع شیر به نزد آمده و به من گفت: (اِمْضِ اِلَى مُحَمَّدٍ اَللّٰهِ فَاَخْبِرْهُ اَنَّ اَللّٰهَ تَعَالٰی قَدْ اَكْرَمَ صَاحِبَكَ الْحَافِظُ الشَّرِيعَتَكَ وَ كُلُّ اِسْمٍ لَدَا بَغْنَمِهِ يَحْفَظُهَا)؛ «نزد حضرت محمد صل الله علیه و اله برو و به آن حضرت خبر بده که خداوند متعال دوست تو را که از شریعتت پاس داری می گرد گرامی داشت و برای گله اش شیری را به محافظت گماشت.»

با شنیدن این ماجرا، همه حاضران از قصه اباذر شگفت زده شدند. پیامبر اکرم صل الله علیه و اله فرمود: ای اباذر! راست گفتی و به یقین من، علی،

فاطمه حسن و حسین علیهم السلام به راستی تو و قصه ات ایمان آوردیم.

اما برخی از منافقین که در حدود 20 نفر بودند گفتند: محمد صل الله علیه و اله با اباذر تبانی کرده اند که ما را بفریبند. ما باید خودمان او را تعقیب کنیم

و ببینیم آیا واقعا شیری در هنگام نماز از گله اباذر محافظت می کند؟ آن ها آمدند و با چشمان خود دیدند که اباذر در حال نماز است و شیری گله او را می چراند و از آن ها مواظبت می کند. هنگامی که اباذر دوباره به حضور رسول الله صل الله علیه و اله شرفیاب شد، پیامبر صل الله علیه و اله خطاب به وی فرمود: (یا اباذر! إِنَّكَ أَحْسَنْتَ طَاعَةَ اللَّهِ فَسَخَّرَ اللَّهُ لَكَ مَنْ يُطِيعُكَ فِي كَفِّ الْعَوَادِي عَنْكَ فَأَنْتَ أَفْضَلُ مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَنَّهُ يُقِيمُ الصَّلَاةَ)؛ ای اباذر! تو اطاعت خدا را به نحو احسن انجام دادی و خداوند کسی را برای پاس بانی گوسفندانت در تسخیر تو درآورد که در وسط بیابان از تو اطاعت می کند، پس تو گرامی ترین کسی هستی که خداوند متعال او را به این که نماز می کند ستوده است!»، (1)

شیوه نماز امام عسکری علیه السلام

حضرت عسکری علیه السلام در سخن و عمل، بر جای گاه ممتاز و ویژه نماز پا فشاری می نمودند و هیچ چیز مانع اقامه نماز در وقت آن نمی گردید.

یکی از یاران نزدیک و مورد اطمینان امام حسن عسکری علیه السلام به نام «ابو هاشم جعفری» می گوید: روزی به حضور حضرت عسکری علیه السلام داخل شدم و مشاهده کردم آن حضرت مشغول نوشتن است. در همین موقع وقت نماز داخل شد آن بزرگوار از کار نویسندگی دست کشیده و برای اقامه نماز به پا خواست. من با شگفتی تمام دیدم که قلم بر روی کاغذ همچنان حرکت می کرد و می نوشت تا این که کار کتابت کاغذ به پایان رسید. من به شکرانه این کرامت به سجده افتادم و امام از نماز برگشته و قلم را بدست گرفته و به مردم اجازه ورود داد. (2)

عقید خادم می گوید: هنگامی که حضرت عسکری علیه السلام در بستر بیماری بود و واپسین لحظات حیات خویش را می گذرانید، مقداری

ص: 33

1- . تفسیر امام العسکری علیه السلام، ص 72 به بعد؛ بحار الانوار، ج 1، ص 231 232 233 با تلخیص.

2- بحار الانوار، ج 50، ص 304

داروی جوشانده خواست، ما آن را آماده کرده و به محضرش آوردیم، امام متوجه شد که وقت نماز صبح رسیده است، فرمود: می خواهم نماز بخوانم، سجاده حضرت را در بسترش گسترديم، امام از خادمی که در آن جا حضور داشت آب وضو را گرفته و بعد از این که با آن آب وضوی کاملی را به جا آورد، آخرین نماز صبح را در همان بسترش خواند و لحظاتی بعد روح بلند آن حضرت به عالم بالا عروج نمود.

(1)

هم چنین آن حضرت، اقامه نماز را از شرایط و نشانه های شیعیان راستین شمردند و فرمودند: (عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خَمْسٌ صَلَوةُ الْاِحْدَى وَ الْخُمْسِيْنَ وَ زِيَارَةُ الْاَبْوَبَيْنِ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)؛ علامت اهل ایمان پنج تا است: به جای آوردن 51 رکعت نماز [در هر روز] (2) خواندن زیارت اربعین قرار دادن انگشتر [مجاز] در انگشتان در دست راست مالیدن پیشانی [در هنگام سجده] بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم [در حال قرائت نماز].» (3)

آن حضرت عسکری علیه السلام با اشاره به درجات اهل نماز فرمودند: «زمانی که بنده به سوی جایگاه نمازش می رود تا نماز را اقامه نماید خدای عز و جل به ملائکه اش می فرماید: «آیا بنده مرا نمی بیند که چگونه از همه خلافت بریده و به سوی من آمده است، در حالی که به رحمت و جود و رافت من امید وار است؟ شما را شاهد می گیرم که رحمت و کرامت خود را مخصوص او گردانیدم.» (4)

ص: 34

1- کمال الدین ص 473؛ بحار الانوار، ج 50، ص 331

2- مقصود حضرت از 51 رکعت، نماز 17 رکعت نماز های واجب و 34 رکعت نوافل آن هاست.

3- مصباح المتعبد، ص 788؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 478.

4- جامع احادیث الشیعه، ج 4 ص 22

یکی از نشانه‌هایی که امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعیان بر شمرده اند «التَّحْتُمُ بِالْیَمِینِ» است؛ یعنی انگشتر به دست راست کردن.

این سفارش حضرت، پیامی مهم و قابل تأمل در خود نهفته دارد که مراجعه به تاریخ حقیقت آن را آشکار می‌سازد. هنگامی که در جنگ صفین، لشکر امام علی علیه السلام در آستانه پیروزی قرار گرفت و «مالک اشتر» فرمانده سلحشور امام، بیش از چند قدم با خیمه معاویه فاصله نداشت، معاویه در مشورت با مشاور مکار خود «عمر و عاص» ترفند جدیدی به کار بست و علی رغم این که در آغاز جنگ پیشنهاد حکمیت قرآن را از سوی امام علی علیه السلام رد کرده بود، اینک که خود را در آستانه نابودی می‌دید، به سپاه خود فرمان داد تا قرآن‌ها را بر فراز نیزه برند و این گونه خواستار حکمیت قرآن شوند.

این چنین بود که در یک قدمی پیروزی، مکر و نیرنگ معاویه با جهل و نادانی سپاه کوفه دست به دست هم داد و باعث شد امام علی علیه السلام به حکمیت رضایت دهد. معاویه برای حکمیت عمر و عاص این مگار معروف را که به طمع ولایت مصر همدستان او شده بود، به نمایندگی خود برگزید، و در حالی که امام «عبد الله بن عباس» یا «مالک اشتر» را برای این منظور انتخاب کرده بود.

«ابوموسی» مردی ساده لوح سبک مغز و ولایت گریز بود. او همان کسی بود که پیش از این سابقه روی گردانی از ولایت داشت و کینه امام علیه السلام را در دل داشت و حتی مردم را از یاری دادن آن حضرت منع کرده بود. (1)

پایان حکمیت؛ آغاز انحراف

در هر حال، بر طبق توافق صورت گرفته میان عمر و عاص و ابو موسی عمر و بن عاص پیشنهاد کرد که هر دورا از خلافت خلع کنند آنان اعلام

ص: 35

1- نک ثقفی، کوفی ابو اسحاق ابراهیم بن محمد الغارات ترجمه عزیز الله عطاردی انتشارات عطارد، 1373ش، ص 381

کردند که مردم برای استماع نتایج حکمیت جمع شوند. مردم اجتماع کردند ابو موسی رو کرد به عمر و عاص که بفرمایید منبر و نظریه خویش را اعلام دارید.

«عمر و عاص» گفت: من؟ تو مرد ریش سفید و محترم از صحابه ای حاشا که من چنین جسارتی کنم و پیش از تو سخنی بگویم!

ابو موسی از جا حرکت کرد و بر منبر قرار گرفت. او به سخن آمد و اظهار داشت: ما پس از مشورت صلاح امت را در آن دیدیم که نه «علی» باشد و نه «معاویه»، دیگر مسلمین خود می دانند هر که را خواستند انتخاب کنند و انگشترش را از دست راست بیرون آورد و گفت: هم چنان که این انگشتر را از دستم بیرون آوردم، من علی را از خلافت خلع کردم. این را گفت و از منبر پایین آمد.

آن گاه «عمر و عاص» حرکت کرد و بر منبر نشست و گفت: سخنان ابو موسی را شنیدید که علی را از خلافت خلع کرد و من نیز او را از خلافت خلع می کنم، هم چنان که ابو موسی کرد. سپس انگشترش را از دست راست بیرون آورد و آن را به دست چپ خود کرد و گفت: معاویه را به خلافت نصب می کنم، هم چنان که انگشترم را در انگشت کردم این را گفت و از منبر پایین آمد. (1)

پیام مهم سخن امام عسکری علی السلام

براین اساس این که امام یازدهم علیه السلام، انگشتر به دست راست کردن را یکی از نشانه های شیعه می دانند کنایه از فریب نخوردن و جدا نشدن از خط امامت و ولایت است براین باور راست یعنی صراط مستقیم ولایت امیر مؤمنان علیه السلام که هر روزه در نماز از خدا می خواهیم ما را بدان هدایت نماید و از گروه گم راهان و غضب شدگان قرار ندهد.

ص: 36

1- تک تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 636 الطبقات الکبری، ابن سعد، ج 3، ص 23 - 24؛ الأخبار الطوال، ص 202 مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 16، ص 297

اگر چنین شدیم، خداوند نیز ما را جزء «اصحاب الیمین» قرار خواهد داد؛ همان کسانی که رستگاران و سرافرازان روز قیامت هستند و به پیروی از ولایت اهل بیت ما مفتخر گردیده اند. امام باقر علیه السلام می فرمود: (نَحْنُ وَشِيعَتُنَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ)؛ ما و شیعیان ما اصحاب یمین می باشیم». (1)

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ می گوید: محضر ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام عرض کردم: بفرمایید چرا امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر به دست راست می کردند؟ حضرت فرمودند: (فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ يَتَخَتَّمُ بِيَمِينِهِ لِأَنَّهُ إِمَامُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ أَصْحَابَ الْيَمِينِ وَ دَمَ أَصْحَابَ الشَّحَابِ اللَّهُ ص وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَخَتَّمُ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ عَلَامَةٌ لِّشِيعَتِنَا يُعْرَفُونَ بِهِ وَ بِالْمُحَافَظَةِ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ مُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ)؛ زیرا آن جناب بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امام و پیش وای اصحاب یمین بودند و حق تعالی اصحاب یمین را مدح و اصحاب شمال را مذمت فرموده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز انگشتر به دست راست می نمودند و این علامت و نشانه ای است برای شیعیان ما که با آن شناخته می شوند، چنان چه با محافظت بر اوقات نماز و پرداختن زکات و برابری با برادران دینی و امر به معروف و نهی از منکر نیز از غیر شان ممتاز و مشخص

می گردند. (2)

جلوه ای از هدایت گری امام

شخصی بنام «حلبی» می گوید: در سامرا گرد آمده بودیم و منتظر خروج ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) از خانه بودیم تا او را از نزدیک ببینیم در این هنگام نامه ای از حضرت دریافت کردیم که در آن نوشته بود: «هشدار که هیچ کس بر من سلام نکند و کسی با دست، به سوی من اشاره نکند در غیر این صورت جان تان به خطر خواهد افتاد!»

ص: 37

1- بحار الانوار، ج 24 ص 9

2- . علل الشرایع شیخ صدوق، ج 1، ص 158

در کنار من جوانی ایستاده بود، به او گفتم: از کجایی؟ گفت: از مدینه. گفتم: این جا چه می کنی؟ گفت: درباره امامت «ابو محمد» علیه السلام اختلافی پیش آمده است، آمده ام تا او را ببینم و سخنی از او بشنوم یا نشانه ای ببینم تا دلم آرام گیرد، من از نوادگان «ابوذر غفاری» هستم.

در این هنگام امام علیه السلام همراه خادمش بیرون آمد. وقتی که رویه ما، رسید به جوانی که در کنار من بود نگریست و فرمود: آیا تو غفاری هستی؟ جوان پاسخ داد آری. امام فرمود: مادرت «حمدویه» چه می کند؟ جوان پاسخ داد: خوب است.

امام پس از این سخنان کوتاه از کنار ما گذشت. رویه جوان کردم و گفتم: آیا او را قبلاً دیده بودی؟ پاسخ داد: خیر. گفتم: آیا همین تورا کافی است؟ گفت: کمتر از این نیز کافی بود!

هر انسانی به مقتضای موقعیت و امکاناتی که در اختیار دارد آرزوها و آمالی در سر می پروراند و نقشه هایی برای آینده خود ترسیم می نماید. حال اگر بر اثر یک حادثه یا اتفاق غیر منتظره و پیش بینی نشده نشده، تمام این آرزوها نابود شود، جز حسرت تلخ باقی نخواهد ماند.

بدترین فرض این اتفاق مرگ ناگهانی و غیرمنتظره ای است که مهر ختم بر پرونده دنیایی انسان بزند و به زندگی او پایان دهد؛ به همین جهت است که در آموزه های الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام سفارش شده انسان ها به گونه ای زندگی کنند و اعمال شان به گونه ای باشد که اگر هر لحظه مرگ آنان فرا رسد و خواستند به حضور خداوند متعال برسند، با آمادگی معنوی سرافرازی و سر بلندی در پیشگاه الهی حاضر شوند.

به عنوان نمونه، پیامبر اکرم صل الله علیه و اله در باب استعداد و آمادگی برای مردن

و این که انسان در امان نیست و هر لحظه ممکن است مرگ او فرا برسد می فرمایند: (إِنَّمَا أَنْتُمْ خَلْفُ مَاضِيٍّ وَبَقِيَّةُ مَقْدَمٍ كَأَنْتُمْ أَكْبَرُ مِنْكُمْ بَسْطَةً وَأَعْظَمَ سَطْوَةً فَأَرْعِبُوا عَنْهَا فَارْحَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِزَادٍ مَبْلَغٍ قَبْلَ أَنْ تُوْخَذُوا عَلَى فِجَاجَةٍ وَقَدْ غَفَلْتُمْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ)؛ شما باقی مانده گذشتگان و نسل های گذشته هستید همان کسانی که از لحاظ قدرت و نفرات بر شما برتری داشتند ولی از آن چه داشتند روی گردان شدند [و مرگ آنان را فرا گرفت و هیچ کس و هیچ چیز نتوانست آن ها را یاری دهد و از چنگال مرگ برهاند نه قوم و عشیره شان و نه مال و ثروت شان] ... پس شما برای خود زاد و توشه بر گزینید و آماده کوچ و رحلت به سرای باقی باشید، قبل از این که مرگ، ناگهانی و سر زده بیاید، در حالی که از آمادگی برای رفتن غفلت دارید. (1)

حضرت علی علیه السلام نیز در حدیثی چنین فرمود: (فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَخَافُوا بَعْثَةَ

ص: 39

الْأَجَلَ)؛ به انجام کار نیک بشتابید و از رسیدن مرگ ناگهانی بترسید. (1)

و امام صادق علیه السلام می فرماید: «حضرت عیسی دربارہ مرگ و آمادگی علان برای آن فرمود: (هُوْلٌ لَا يُدْرَى مَتَى يَغْشَاكَ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْتَعِدَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْجَأَكَ)؛ مرگ ترسی است که نمی دانی چه زمانی به تو می رسد [و تو را وحشت زده می کند]، پس چه چیز تو را مانع می شود که خود را برای مردن آماده کنی قبل از این که مرگ تو را غافل گیر کند و ناگهان سر برسد؟» (2)

وقتی سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام قبرها را مشاهده می کردند فرمودند: (مَا أَحْسَنَ ظَوَاهِرَهَا وَإِنَّمَا الدَّوَاهِي فِي بُطُونِهَا فَاللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ لَا تَسْتَعْلُوا بِالْأَنْفُسِ فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ فَأَعْلَمُوا وَلَا تَغْفُلُوا)؛ ظاهر این قبرها چه زیبا است، در حالی که درد و رنج و عذاب در باطن آنها نهفته است. ای بندگان خدا! شما را به خدا سوگند! [دنيا شما را نفریبد] و مشغول به دنیا نشوید که قبر خانه عمل است [و باید اعمال خود را با خود به قبر و قیامت ببرید]، پس بدانید و غفلت نکنید.

بعد حضرت این اشعار را ایراد فرمودند:

يَا مَنْ بِدُنْيَاهُ اشْتَغَلَ *** وَغَرَّهُ طَوْلُ الْأَمَلِ

الْمَوْتُ يَأْتِي بَعَثَةً *** وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ

«ای کسی که به دنیا مشغول شده ای و آرزوهای دور و دراز تو را فریفته است! مرگ ناگهانی و سر زده فرا می رسد و قبر، جایگاه و صندوق اعمال توست.» (3)

ص: 40

1- نهج البلاغه، خطبه، 184 ترجمه، دشتی و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 7، ص 251

2- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث، نوری، ج 2، ص 103

3- شرح احقاق الحق، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ج 11، ص 628؛ موسوعة کلمات الامام الحسین الا، ص 840 و 1416

با توجه به اهمیت همین مطلب است که امام حسن عسکری علیه السلام به گذر عمر انسان و کوتاه شدن آن اشاره کرده همگان را به بهره‌مندی و توشه‌گزینی از دنیا فرا می‌خوانند، قبل از آن که دیر شود و انسان با دستان، خالی و حسرت دائمی به سرای دیگر منتقل شود. ایشان می‌فرمایند: باید تا وقت باقی است از لحظه‌ها در جهت انجام اعمال شایسته سود برد و بذریکی و احسان خوبی و مهربانی صداقت و عبادت و دیگر خوبی‌ها را کاشت و در سرای جاوید از ثمرات و برکات آن بهره‌مند گردید. لذا امام می‌فرمایند: (إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَّنْقُوصَةٍ وَ أَيَّامٍ مَّعْدُودَةٍ وَ الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصُدْ غَبْطَةً وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدْ نَدَامَةً لِّكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ)؛ عمر‌های شما رو به کاهش است دوران شما محدود است، مرگ ناگهان فرا می‌رسد، هر که نیکی بکارد خوشی درو می‌کند و هر کس زشتی بکارد پشیمانی درو می‌کند، هر کسی آن چه را کشت کند درو خواهد کرد.» (1)

نامه ای با دستخط امام

حضینی به سند خود از عبد الحمید بن محمد و محمد بن یحیی خرقی روایت کرده که نزد ابو الحسن علی بن بشر که مریض بود رفتیم. وی از ما خواست برایش دعا کنیم و نامه‌اش را توسط شخص مطمئن نزد مولای مان ابو محمد حسن بن علی علیهما السلام بفرستیم. گفتیم نامه‌ات کجاست؟ گفت: کنار بسترم.

ما دستمان را زیر سجاده‌اش بردیم و نامه‌اش را برداشتیم و گشودیم تا بخوانیم. در همان آغاز نامه چشم مان به دستخط امام علیه السلام افتاد که مرقوم فرموده بود: ما نامه‌ات را خواندیم و از خدا بهبودی تو را خواستیم خدای متعال از حالا چهل و نه سال به عمرت افزود. خدا را شکر و سپاس

ص: 41

گوی، در این مدت کار های نیک و آن چه دوست داری انجام بده و اگر به گناه آلوده شدی از کوتاه شدن عمر خود ایمن نباش؛ زیرا خداوند آن چه بخواهد انجام خواهد داد.

گفتیم: ای علی سرور و مولای مان نامه ات را خوانده و جواب هم است. این هم دستخط ایشان است. وی همان لحظه از جای برخاست و رضایت کنیزش را جلب و او را به عنوان صدقه آزاد کرد و پس از سه روز حواله ای از ابو عمر عثمان بن سعد عمری سَمّان از سامرا به یکی از بزرگان کرخ رسید که اموالی را برای علی بن بشر ببرد. وی آن اموال را شمرد و دید سه برابر اموالی است که صدقه داده است و این از معجزات حضرت بود. (1)

ص: 42

مردی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: کم ترین چیزی که انسان در پرتو آن جزو مؤمنان خواهد شد، چیست و کم ترین چیزی که با آن جزو کافران می شود کدام است؟». حضرت در پاسخ فرمودند: «کم ترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره ی گناه کاران در می آید این است که ولایت ما را نپذیرد». آن مرد گفت: «یا امیر المؤمنین منظورت از ما چه کسانی است؟».

علیه واله حضرت فرمود: «همان هایی که خداوند اطاعت شان را در ردیف اطاعت خود و پیامبر خود قرار داده است و فرمود: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (1) آن مرد پرسید: «فدایت شوم! برایم روشن تر بیان کن». حضرت فرمود: «آنانی که رسول خدا صل الله علیه و اله در موارد مختلف و در خطبه ی روز آخرش آن ها را یاد کرد و فرمود: من در میان شما دو چیز با ارزش را به یادگار می گذارم. اگر دست به دامن آن ها بزنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و خاندانم که از هم جدا نخواهند شد تا بر حوض کوثر بر من وارد شوند.» (2)

در فرهنگ تشیع، ولایت معصومین علیهم السلام از جایگاه ممتاز و اهمیت فوق العادهای برخوردار است؛ به گونه ای که بر اساس آموزه های قرآنی و روایی، ولایت پذیری، روح عبادات، شرط قبولی اعمال و رسیدن به بهشت موعود الهی و وجود مبارک امام معصوم، عامل بقای زمین و نظم و سکون جهان آفرینش (3) واسطه ی بین خدا و خلق و نزول فیض الهی

ص: 43

1- سوره نساء، آیه 59

2- ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ص 117.

3- پیامبر اعظم صل الله علیه و اله پس از معرفی یکایک امامان به جابر فرمودند: (بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا)؛ خداوند به وسیله ، ایشان آسمان را از این که بدون اجازه او بر زمین افتد نگه می دارد و به وسیله ی ایشان زمین را حفظ می کند که اهل خود را به تزلزل در نیارد. (بحار الانوار، ج 27، ص 120) و امام صادق علیه السلام فرمودند: «لو بقيت الارض بغير امام لساخت؛ اگر زمین بدون امام بماند حتما فرو خواهد ریخت کافی، کتاب الحجة باب ان الارض لا تخلو من الحجة، ج 10

است، (1) از این رو امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى)؛ و من آمرزنده ی همه کسانی هستم که توبه کرده و ایمان آورده و عمل صالح انجام داده و سپس هدایت یابند»، (2) فرمودند: «آیا نمی بینی چطور شرط کرده که توبه، ایمان و عمل صالح، نفعی نمی رساند تا این که هدایت شود؟ و الله اگر برای عملی تلاش کند قبول نمی شود؛ مگر این که هدایت شود.

راوی پرسید: به چه کسی هدایت شود؟ فرمودند: باید به سوی هدایت شود.» (3)

و پیامبر اعظم صل الله علیه و اله در تفسیر این آیه فرمودند: (قَالَ آمَنَ بِمَا جَاءَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَعَمِلَ صَالِحًا قَالَ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ، ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى حُبِّ آلِ

صَلَّى اللَّهُ مُحَمَّدٌ؛ ایمان آورد به آن چه محمد آورده است و عمل صالح انجام دهد؛ یعنی واجبات را انجام دهد سپس هدایت شود؛ یعنی هدایت شود به حب آل محمد صَلَّ الله علیه و اله.) (4)

هم چنین رسول خدا صل الله علیه و اله پس از تلاوت آیه ی (لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَاللَّهُ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ، أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ)؛ اصحاب جهنم و بهشت مساوی نیستند اصحاب بهشت رستگارند»، (5) فرمودند: «اصحاب بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و در برابر علی علیه السلام تسلیم باشند و ولایت او را بپذیرند و یاران جهنم آنان اند که ولایت علی علیه السلام را

ص: 44

1- خداوند نیز فرموده است و ابتغوا اليه الوسيله و وسيله ای برای تقرب به سوی خدا بجوئید» سوره مائده آیه 35

2- سوره طه، آیه 82

3- تفسیر القمی، ج 2، ص 61

4- تفسیر فرات الکوفی نشر وزرات، ارشاد ص 258

5- سوره، حشر، آیه 20

نا خوش دارند و با او نقض پیمان کنند و با او بجنگند».(1)

امام عسکری علیه السلام و تبیین جایگاه آل محمد صل الله علیه و اله

آن حضرت نیز در فرصت های مقتضی به این مسئله می پرداختند عظمت جایگاه ولایت و پیامد های دوری از آن را تبیین می کردند. ابو هاشم می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام تفسیر آیه زیر را پرسیدم: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصَّطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ)؛ سپس این کتاب را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم، از میان آن ها عده ای بر خود ستم کردند و عده ای میانه رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی ها پیشی گرفتند».(2)

امام علیه السلام فرمود: هر سه دسته مربوط به آل محمد صل الله علیه و اله می باشند. آن که بر خود ظلم روا داشته، کسی است که اقرار به امام ننموده است و مقتصد کسی است که عارف به مقام امام است و گروه سوم و اشخاصی که سبقت در گرفتن فیض و خیرات دارند، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

ابو هاشم می گوید: من در فکر فرو رفتم که این چه عظمتی است که نصیب امامان معصوم علیهم السلام شده و مقداری هم اشک ریختم. امام عسکری علیه السلام نگاهی به من انداخته و فرمود: مقام ائمه بالا تر از آن است که تو در مورد عظمت شان آل محمد صل الله علیه و اله می اندیشی! شکر خدا را به جا آور که تو را از تمسک کنندگان به ریسمان ولایت آل محمد صل الله علیه و اله قرار داده و روز قیامت؛ زمانی که سایر مردم با رهبران شان محشور می شوند، تو در ردیف پیروان آل محمد صل الله علیه و اله بوده و با آنان محشور خواهی شد. تو بهترین راه را انتخاب نموده ای!». (3)

ص: 45

1- عیون اخبار الرضاء البلاء، ج 1، ص 280

2- فاطر/ 32

3- . الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج 2، ص 687؛ بحار الانوار، ج 50 ص 259

یکی از نعمت های زیبا و فاخر خداوند به انسان حس دوستی و محبتی است که نسبت به پاکان، خوبان و برگزیدگان الهی در فطرت شیعیان نهاده شده و آنان از پایگاه دل خویش نسبت به اهل بیت علیهم السلام، احساس انس و الفت و محبت دارند.

این دوستی و محبت معنوی با قلوب شیفتگان و دوست داران اهل بیت علیهم السلام عجین گشته، دل های شیعیان و محبان را با خوبان عالم و مقربان در گاه الهی، پیوند و گره ناگسستی می زند و شیعیان، از اعماق وجود خویش نسبت به آنان احساس محبت و دل دادگی می نمایند و در غم و شادی آنان شریک و همراه می گردند. این حقیقت، برگرفته از سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود: (رَحِمَ اللَّهُ شَيْعَتَنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طَيْبَتِنَا وَ عَجِنُوا بِمَاءٍ وَ لَا يَتَنَا يَحْزُنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَقْرَحُونَ لِفَرَحِنَا)؛ خداوند شیعیان ما را رحمت کند که از زیادی سرشت ما آفریده شده اند و با آب ولایت ما عجین گشته اند. آنان به خاطر اندوه [و غصه های] ما غم ناک می شوند و با شادی ما شاد می گردند». (1)

از دیگر جلوه های این مهر و محبت دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان آن ها می باشد؛ از این رو امام حسن عسکری علیه السلام به دو اصل تولی و تبری اهتمام می ورزیدند و در موارد متعدد و مناسبت های به دست آمده شیعیان را به دوستی اهل بیت علیهم السلام و بی زاری از دشمنان آنان ترغیب می نمودند. به عنوان مثال روزی علی بن عاصم کوفی که مردی نابینا بود به محضر امام شرف یاب شد. او ضمن گفت و گو با حضرت ارادت خالصانه خویش را به خاندان نبوت اظهار نموده و گفت: من از یاری عملی شما نا توانم و به غیر از ولایت و محبت شما و بی زاری از دشمنان تان و لعن به آنان در خلوت ها سرمایه ای ندارم، با این حال وضعیت من چگونه خواهد بود؟

امام عسکری علیه السلام فرمود: پدرم از جدم رسول خدا روایت نمود که:

ص: 46

«هرکس توانایی یاری نمودن ما اهل بیت را نداشته باشد و در خلوت هایش به دشمنان ما لعنت بفرستد، خداوند صدای او را به همه فرشتگان می‌رساند... هنگامی که صدای او به فرشتگان برسد آنان برای وی طلب آموزش نموده و او را می‌ستایند.» (1)

احمد بن مطهر می‌گوید: یکی از شیعیان به امام عسکری علیه السلام نامه نوشته و در مورد ارتباط با واقفیه (2) سؤال کرد آن حضرت در جواب نوشت: آن‌ها را دوست نداشته باشید به عیادت مریض‌های آنان نروید، در تشییع جنازه‌های شان شرکت نکنید، بر مرده‌های شان نماز نخوانید و در این مورد فرقی نمی‌کند که کسی امامت یکی از امامان معصوم را انکار کند یا این که فردی که دارای مقام امامت از طرف خدا نیست را جزء امامان معصوم بداند و یا (مانند مسیحیان) قائل به تثلیث باشد بدانید که منکر آخرین امامان معصوم علیهم السلام همانند انکار کننده امامان قبلی است و هرکس به تعداد امامان بیفزاید مثل کسی است که از امامان معصوم کم می‌کند.» (3)

ص: 47

1- بحار الانوار، ج 50، ص 316 و 317

2- واقفیه کسانی هستند که تا امام هفتم را قبول دارند و به امامان بعدی ایمان ندارند.

3- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 685

اشاره

یکی از ویژگی دوست داران اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت و عاشقان ذریه و خاندان گرامی پیامبر اعظم صل الله علیه و اله ، آن است که نه تنها در زبان، بلکه در عمل نیز باید دوست دار آنان باشند و لوازم و بستر های لازم برای تحقق آن را فراهم آورند. خداوند متعال، در دو آیه از قرآن کریم به پیامبر خود دستور می دهد که در برابر رسالت خود اجر و پاداش بطلبد. یکی از آن دو آیه این است: (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا)؛ بگو من بر رسالت خود مزد و پاداش نمی خواهم مگر کسی که می خواهد به سوی پروردگار خود راهی پیدا کند». (1)

یعنی مسیر خدا خواهی و مورد رضایت خداوند، مسیر دوستی با اهل بیت علیهم السلام و طوق محبت و ارادت آنان را به گردن افکندن است که با واسطه قرار دادن این محبت انسان می تواند رضایت الهی را جلب نماید؛ از این رو حضرت زهرا سلام الله علیها یا در فرمایش خود چنین فرمودند: (نَحْنُ وَسَيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ)؛ ما اهل بیت رسول خدا صل الله علیه و اله، وسیله ی ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم و جایگاه پاکی ها، ما دلیل های روشن خدا و وارث پیامبران الهی هستیم». (2)

سخنی از شهید مطهری رحمه الله علیه

ایشان درباره ی آثار محبت به اهل بیت علیهم السلام در زندگی انسان ها می نویسد: این که چرا در موضوع اهل البیت علیهم السلام این همه توصیه شده است که مردم به آن ها ارادت بورزند و این ارادت و محبت را وسیله ی تقرب به خداوند قرار دهند، در پاسخ به این پرسش باید بگوییم: دستور های اسلامی، همه مبنی بر فلسفه و حکمتی است. چنین دستوری که در متن اسلام رسیده است، قطعاً باید حکمت و فلسفه ای داشته باشد.

ص: 48

1- سوره فرقان آیه 57

2- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16 ، ص 211

در حقیقت، ولاء محبت، مقدمه و وسیله ای است برای سایر ولاءها. رشته محبت است که مردم را به اهلا لبیت علیهم السّلام پیوند واقعی می دهد تا از وجود شان، از آثار شان، از سخنان شان، از تعلیمات شان، از سیرت و روش شان استفاده کنند عشق و محبت به پاکان و اولیای حق که انسان ساز است عامل بسیار ارزنده ای است برای تربیت و به حرکت در آوردن روح ها». (1)

به همین سبب است که حضرت علی علیه السّلام می فرمایند: (مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبِبِ الْوَرَعَ)؛ هر که ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیز گاری را جامه و پوشش خود قرار دهد ». (2)

و امام حسن عسکری علیه السّلام در تبیین رفتار های بایسته شیعیان فرمودند: (أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفُرَائِضِ ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ ، أَشَدُّ النَّاسِ إِجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ) .

پارسا ترین مردم کسی است که در موارد شبهه توقف کند، عابد ترین مردم کسی است که در بر پایی واجبات، استوار باشد، زاهد ترین مردم کسی است که حرام را ترک کند، کوشا ترین مردم شخصی است که گناهان را رها کند». (3)

ص: 49

1- ولاء ها و، ولایت ها شهید مطهری، ص 48 و 49

2- کافی، ج 6، ص 389

3- بحار الانوار، ج 78، ص 373، ح 18.

اشاره

یکی از تمثیلات نغز و زیبای قرآنی در آیات شریفه (24 و 25) سوره ابراهیم بیان شده است. در این آیات می خوانیم: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَصْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ: آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» او گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن در زمین ثابت و شاخه آن در آسمان است؟ هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد و خداوند برای مردم مثل ها می زند، شاید متذکر شوند [و پند گیرند]».

تفسیر باطنی شجره طیبه

گذشته از مباحث تفسیری این آیه، در روایات باطن و حقیقتی زیبا و دل نشین برای این شجره طیبه بیان شده است. به گفته ی روایات منظور از شجره طیبه در این آیه وجود نازنین خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صل الله علیه و اله است که ریشه و اصل خاندان عترت است و شاخه اش فاطمه عذرا حوراء انسیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها، و عامل ماندگاری و باور ریش علی مرتضی علیه السلام، میوه هایش حسن و حسین و دیگر معصومین علیهم السلام از نسل آنان و برگ هایش، شیعیان و محبان پیرو او هستند.

اهلیت علیهم السلام؛ حقیقت شجره طیبه

این حقیقت در روایات فراوان و با تعبیر مختلفی در کتب شیعه و سنی نقل شده است. به عنوان مثال، عبد الرحمان بن عوف می گوید: (سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَنَا الشَّجَرَةُ وَفَاطِمَةُ فَرْعُهَا، وَعَلِيٌّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَشِيعَتُنَا وَرَقُّهَا»؛ از رسول خدا شنیدم که می فرمود: من مانند درختی هستم که فاطمه شاخه آن علی پیوند آن حسن و حسین میوه آن و شیعیان ما برگ های

و در روایتی مشابه، این جمله آمده است: (وَ مُجِبُّهُمْ مِنْ أُمْتِي وَرَقَّهَا)؛ «و دوست داران اهل بیت برگ های این درخت هستند». (2)

و امام باقر علیه السلام می فرماید: (الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ ، وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ وَثَمَرُهَا الْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَشَيْعَتَهُمْ وَرَقَّهَا)؛ به درستی که شجره، رسول الله می باشد، و فرع شجره علی است و شاخه اش، فاطمه و میوه اش اولاد فاطمه و علی علیه السلام و برگ های درخت، شیعیان هستند». (3)

در روایتی دیگر که از «ابن عباس» نقل شده است، جبرئیل امین خطاب به پیامبر خاتم صل الله علیه و اله عرضه داشت: (أَنْتَ الشَّجَرَةُ وَ عَلِيٌّ غُصَّةُ نُهَا ، وَ فَاطِمَةُ ، وَ رَقَّهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ تِمَارُهَا)؛ وجود گران مایه ی تو ای پیامبر، آن درخت پاکیزه است و علی علیه السلام شاخه ی آن و فاطمه برگ و بار آن و حسن و حسین میوه ی آن هستند». (4)

امیرمؤمنان علیه السلام نیز خطبه 109 نهج البلاغه می فرماید: (نَحْنُ شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ ، وَ مَحَطُّ الرِّسَالَةِ ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ ، وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ ، وَ يَنَابِيعُ الْحُكْمِ ، نَاصِرُونَ وَ مُجِبُّونَ الرَّحْمَةِ وَ عِدُونَا وَ مُبْغِضُونَ نَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ)؛ ما درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و معدن های علوم و سرچشمه های حکمت هاییم یاری کنندگان و دوستان ما منتظر رحمت و دشمنان ما منتظر مجازات اند.»

وظایف محبان در کلام امام عسکری علیه السلام

یکی از فراز های مهمی که در تأویل آیه ی شجره ی طیبه مطرح شد، نقش و جایگاه پیروان و محبان اهل بیت است که به عنوان برگ های

ص: 51

1- امالی شیخ طوسی، ص 610؛ بحار الانوار، ج 27 ص 103، المستدرک حاکم نیشابوری، ج 3، ص 160؛ تاریخ ابن عساکر، ج 4، ص 318 318

2- بحار الانوار، ج 27 ص 103 بشارة المصطفی عماد الدین طبری، ص 75

3- بحار الانوار، ج 27، ص 27، ص 103

4- تک بحار الانوار، ج 24، ص 137 و تفسیر مجمع البیان ذیل آیه.

این درخت مبارک معرفی شده بودند. تعبیری مانند (شَيْعَتُنَا وَرَقُّهَا) یا (وَ مُحِبُّهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَرَقُّهَا)؛ دوست داران اهل بیت علیه السلام، برگ های این درخت هستند، حاوی پیامی مهم درباره نقش شیعیان در این درخت پرخیر و برکت هستند.

می دانیم که برگ های درخت عامل زیبایی و نشانه ای از زنده بودن طراوت و سرسبزی درخت هستند شیعیان و محبان اهل بیت علیه السلام نیز به عنوان برگ های این شجره ی طیبه باید با تاسی به سیره و سبک زندگی آن بزرگ واران مایهی زینت و خوش حالی اهل بیت علیهم السلام گردند؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرمود: (مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ)؛ ای گروه شیعیان! شما برای ما زینت باشید نه مایه ی ننگ و شرم با مردم نیکو سخن بگویید و مواظب زبان تان باشید و آن را از زیاده گویی و زشت گفتاری باز دارید. (1)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز خطاب به شیعیان فرمودند: (أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ، وَ الْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اسْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسَنِ الْجَوَارِ، فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ اللَّهُ) شما را سفارش می کنم به تقوای الهی و پارسایی در دین تان و کار و کوشش برای خدا و راست گویی و ادای امانت به کسی که امانتی به شما سپرده است، نیکو کار باشد یا تبهکار و سجده طولانی و نیکو همسایه داری؛ زیرا محمد صل الله علیه و اله برای این امور آمده است.

بعد حضرت فرمودند: (فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ : هَذَا شَيْعِي، فَيَسَّرُ لِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ)؛ هر گاه فردی از شما در دینش پارسا و در گفتارش راست گو باشد و امانت را ادا کند و با مردم خوش خویی کند، گفته

ص: 52

شود این شیعه است و این مرا شاد می سازد. از خدا پروا کنید و مایه آراستگی ما باشید، نه باعث ننگ و زشتی هر گونه دوستی را برای ما جلب کنید و هر گونه زشتی را از ما دور سازید». (1)

ص: 53

1- تحف العقول، ص 519، ح 22

یکی از خطراتی که پیوسته ایمان انسان را با تهدید و چالش جدی مواجه می سازد، غبار گرفتگی و انباشته شدن لکه های سیاه گناه و معصیت الهی است که به تدریج باعث کهنگی و مندرس شدن لباس ایمان و تقوا و بستر ساز بزهکاری و ناهنجاری های رفتاری در انسان می گردد. رسول خدا صل الله علیه و اله با اشاره به این نکته می فرمود: (إِنَّ الْإِيْمَانَ لِيَخْلُقُ فِيْ جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُجَدِّدَ الْإِيْمَانَ فِيْ قُلُوبِكُمْ)؛ ایمان در درون شما کهنه و فرسوده می شود؛ همان گونه که لباس در تن شما کهنه می شود. پس از خدای متعال بخواهید که ایمان را در قلب های تان تازه و نو گرداند. (1)

به دین جهت در آموزه های دینی و سبک زندگی اهل بیت طاهرین علیهم السلام راه کار هایی برای جلوگیری از این آفت و آموزش سبک صحیح مدیریت زندگی مؤمنانه برای زنده و با طراوت نگه داشتن ایمان و حراست از تقوا و خدا خواهی بیان شده است تا روز به روز با روحیه ای تازه و ایمانی قوی تر به سوی کمال در حرکت باشند. در این فرصت به چند راه کار از امام حسن عسکری علیه السلام اشاره می نمایم.

راه کار های طراوت ایمان در کلام امام عسکری علیه السلام

یک ذکر و یاد خداوند متعال آن حضرت در خطاب به شیعیان می فرمود: (أَكثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ)؛ خدا و مرگ را فراوان یاد کنید.

ترنم دل و زبان به ذکر و یاد خدا اولین سفارش حضرت است. ذکر خدا اعم از اذکار زبانی مختلفی همانند، استغفار حوقله، لا اله الا الله و مانند آن است که هر کدام دارای آثار و برکات بسیاری است و هم شامل ذکر قلبی و زنده نگه داشتن چراغ معنویت و محبت و عشق

ص: 54

بی شک، مصداق اتم ذکر الله، اقامه نماز و گفت و گوی با خداوند است که باعث طراوت ایمان و تجدید معنویت و انس با پروردگار می گردد و به عنوان ذکر عملی شناخته می شود. خداوند متعال می فرماید: اگر می خواهید ذکر مرا با خود داشته باشید و به یاد من باشید، نماز را بر پا دارید. (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)؛ برای یاد من نماز بر پا دارید. ⁽¹⁾

دو: یاد آوری مقصد

(و ذَكَرَ الْمَوْتِ)؛ و مرگ را فراوان یاد کنید.

این که انسان بداند خداوند فرصتی برای اثبات لیاقت بهشتی شدن و کسب درجات والای معنوی و جاودان شدن در بهشت الهی را به او داده است و او دیر یا زود باید بار سفر ببندد و در پیشگاه الهی، جواب گوی رفتار و کردار خود باشد.

بر مبنای آموزه های دینی انسان در دنیا مسافر است؛ مسافری که به قصد رسیدن به کمال و سعادت در جاده ایمان و تقوا گام می نهد و تلاش می کند تا خود را به قرب الهی برساند؛ قرآن کریم خطاب به انسان ها می فرماید: (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ)؛ ای انسان همانا تو پیوسته با تلاش بیامان و رنج فراوان به سوی پروردگار خود ره سپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد و نتیجه رنج و تلاش خود را خواهی دید. ⁽²⁾ یعنی تمام افراد، بشر چه مؤمن و چه کافر «مسافر الی» «الله» و «سائر الی» «الله» هستند و دیر یا زود همگی به ملاقات پروردگار شان خواهند شتافت با این تفاوت که مؤمنان جمال و مهر حق را ملاقات می کنند و کافران جلال و قهر او را به وصف (أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ).

ص: 55

(وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ)؛ «و بسیار قرآن بخوانید».

انس با قرآن کریم و خواندن آیاتی از کتاب خدا برای پند گیری و موعظه پذیری از سخنان خالق هستی، راه کار دیگری است که آن حضرت بدان اشاره فرموده اند تا از این طریق، انسان با سخن خدا و معارف دین آشنا گردد و از غافلان و بی خبران محسوب نگردد. رسول خدا صل الله علیه و اله درباره فضیلت قرائت قرآن و تبیین مقدار قرائت می فرمودند: (مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَكُتِبْ مِنَ الْغَافِلِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَائِمِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ مِائَتِي آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ، وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْقِنْطَارِ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفَ خَمْسُونَ أَلْفَ مِثْقَالٍ أَرْبَعَةً وَعِشْرُونَ قِيرَاطًا أَصَغَرُهَا مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ)؛ «هر کس در هر شب ده آیه قرائت کند، از غافلان به حساب نیاید و هر کس پنجاه آیه بخواند از ذاکران به حساب آید و هر کس صد آیه بخواند از مطیعان، و هر کس دویست آیه بخواند از خاشعان، و هر کس سی صد آیه بخواند از رستگاران و هر کس پانصد آیه بخواند، از کوشش گران به حساب آید و هر کس هزار آیه بخواند، یک قنطار نیکی برایش نوشته شود که هر قنطار، پانزده (پنجاه هزار) مِثقال طلا و هر مِثقال بیست و چهار قیراط است که کوچک ترین آن ها مثل کوه احد و بزرگ ترینش به اندازه فاصله آسمان و زمین است».(1)

چهار: صلوات

چهارمین سفارش امام حسن عسکری علیه السلام، زیاد صلوات فرستادن است که آثار و برکات بسیاری زیادی به همراه دارد و افزون بر گره گشایی از مشکلات دنیایی باعث ارتقای معنوی انسان می گردد و او

ص: 56

را مشمول عنایت آن بزرگ واران می گرداند. از این رو آن حضرت فرمود: (وَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ اللَّهِ ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ) ؛ و فراوان بر پیامبر صل الله علیه و اله صلوات فرستید؛ زیرا صلوات بر رسول خدا صل الله علیه و اله ده ثواب دارد. (1)

سیره حضرت

امام حسن عسکری علیه و اله خود شان به این امور پایبند و طلایه دار عرفان و عبادت پروردگار متعال بودند در تاریخ نقل شده است هنگامی که آن وجود گرامی را به یک زندان بان خشن و قسی القلب به نام تحریر سپردند، آن مرد ستم پیشه طبق دستور سر کردگان خود بر آن حضرت سخت گرفت و از آزار و اذیتش ذره ای فروگذاری نکرد. همسر تحریر وی را از این عمل باز داشته و با یادآوری مراتب عبادت اطاعت و پرهیز گاری امام، شوهرش را از عاقبت شوم اذیت و شکنجه حضرت عسکری علیه السلام ترسانیده، پیوسته سعی می کرد که از فشار های تحریر بر امام علیه السلام بکاهد؛ اما سخنان وی نه تنها در آن زندان بان زشت سیرت هیچ گونه تاثیری نداشت بلکه وی تصمیم گرفت حضرت امام حسن علیه السلام را به قتل برساند. او بعد از اجازه از اربابان ستم گر خود امام را در برکة السباع و در میان حیوانات درنده و وحشی رها ساخت و هیچ گونه تردیدی نداشت که آن حضرت به ست حیوانات و وحشی کشته خواهد شد؛ اما بعد از لحظاتی به همراه هم کارانش مشاهده کرد که امام عسکری علیه السلام در گوشه ای به نماز ایستاده و حیوانات وحشی گردا گرد حضرت با کمال خضوع و احترام سر به زیر انداخته اند. در این جا بود که

امام را فوراً از آن محل بیرون آوردند و به منزلش بردند. (2)

ص: 57

1- بحار الانوار ج 75 ، ص 372؛ تحف العقول، ص 488

2- الارشاد، ج 2، ص 334

اشاره

یکی از نشانه های شیعه که امام حسن عسکری علیه السلام بدان اشاره کردند، (تَغْفِيرُ الْجَبِينِ) یعنی سجده بر خاک گذاردن در هنگام نماز است.

حالت سجده، دارای رمز و رموز و فواید معنوی و عرفانی بسیاری است؛ به گونه ای که در روایات از آن به عنوان نزدیک ترین حالت انسان به خداوند متعال یاد شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ)؛ «نزدیک ترین حالت بنده به خداوند بزرگ وقتی است که در سجده است».

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ سَاجِدٌ)؛ «نزدیک ترین حال بنده به پروردگارش، حالی است که پروردگارش را در سجده می خواند».

میان بری برای تقرب

سجده های طولانی و خاک ساری در برابر حق آثار ارزش مندی برای بندگان خدا جو به همراه دارد و نزدیک ترین و میان بر ترین راه به سوی حق زمانی است که انسان سر بر آستان ربوبی گذاشته و نهایت بندگی خود را به نمایش می گذارد.

رسول خدا صل الله علیه و اله روزی مشغول تعمیر خانه اش بود و مردی از آن جا عبور می کرد. از نزدیک آمده و عرضه داشت: یا رسول الله! من بنایی بلدم، آیا به شما کمک کنم؟ پیامبر صل الله علیه و اله به او اجازه داد بعد از اتمام کار، حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم به او فرمود: حالا- در مقابل زحمت خود از ما چه می خواهی؟ بنا بلا فاصله گفت: بهشت می خواهم. رسول الله لحظه ای سر به پایین انداخت و سپس پیشنهاد او را پذیرفت. هنگامی که مرد با خوش حالی تمام از پیامبر جدا شد، حضرت او را صدا کرده و فرمود: (یا عبد الله اعنّا بِطُولِ السَّجْدِ)؛ ای بنده خدا [البته] تو هم ما را با سجده های

سجده و حالت های ملکوتی امام عسکری علیه السلام

این حالت در زندگی معنوی امام حسن عسکری علیه السلام، تبلوری زیبا داشت. اصولاً جبین بر خاک سائیدن و در دل شب های تار زمزمه عشق سر دادن عادت همیشگی مردان خداست. بندگان راستین الهی از هنگامی که حلاوت عبادت و عبودیت و نیایش با پروردگار عالمیان را چشیده اند سعادت و عزت خود را در سجده های عاشقانه و خضوع های خاک سارانه در پیش گاه حضرت حق می بینند. آنان آرامش نشاط و سرور دل را در تعظیم حضرت رب العالمین جست جو می کنند و بر این باورند که سجده نزدیک ترین حالات يك عبد در حضور معبود است.

در مورد عبادت های عاشقانه و سجده های طولانی حضرت عسکری علیه السلام، «محمد شاکری» از همراهان امام عسکری علیه السلام در توصیف سیره عبادی - عرفانی آن حضرت می گوید: او در محراب عبادت می نشست و سجده می کرد در حالی که من پیوسته می خوابیدم و بیدار می شدم و می خوابیدم، در حالی که او در سجده بود. (2)

هم چنین نقل شده است که عده ای از عوامل خلیفه عباسی، نزد زندان بان امام عسکری علیه السلام - که شخصی به نام صالح بن وصیف بود آمده و به او گفتند: هر چه می توانی بر ابو محمد علیه السلام سخت بگیر و هیچ گونه آسایشی برایش نگذار!

صالح بن وصیف در پاسخ آنان گفت چه کنم؟ دو نفر از بدترین و شرورترین مامورانم را برای وی گماشته بودم، اینک هر دو در اثر معاشرت با ابو محمد علیه السلام نه تنها او را به دیده یک زندانی نمی نگرند، بلکه در عبادت و نماز و روزه به جایگاه رفیعی دست یافته اند. سپس دستور داد تا آن دو را حاضر کردند عوامل خلیفه به آن دو گفتند: وای بر شما،

ص: 59

1- وسائل الشیعه، ج 6، ص 378

2- بحار الانوار، ج 50، ص 253

مگر شما را چه شده که در مورد این مرد زندانی کوتاهی می کنید؟

آنان اظهار داشتند در مورد شخصی که روزها روزه می گیرد و تمام شب را به عبادت و سحرخیزی سپری می کند چه بگوئیم؟ او با کسی غیر از خدا هم سخن نمی شود و به غیر عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال به کار دیگری نمی پردازد. هنگامی که به ما می نگرد ارکان بدن مان می لرزد و هیبت و جلالت او تمام وجود مان را فرا می گیرد. عوامل عباسی وقتی چنین دیدند با ناامیدی و حسرت تمام آن جا را ترك گفتند. (1)

وصیت امام به شیعه

حضرت عسکری علیه السلام نه تنها خود به این صفت ممتاز بود، بلکه شیعیان و محبان را نیز به انجام چنین روشی سفارش کردند و فرمودند: (أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ... وَطُولُ السُّجُودِ)؛ «شما را به پارسایی و پرهیزگاری در دین تان و تلاش برای خدا و انجام سجده های طولانی سفارش می کنم.» (2)

ص: 60

1- . کشف الغمه، ج 3، ص 290

2- تحف العقول، ص 487

همیشه بین حرف و عمل فاصله بسیار است؛ مگر معصومین علیهم السلام و کسانی که به درجات بالای عرفان و معنویت رسیده باشند و افرادی

که دنباله روی حقیقی ایشان بوده باشند. از این رو ادعای دین داری شیعه بودن و پیروی از امامان علیهم السلام، برای بسیاری از افراد حرف گزافی بیش نیست؛ چرا که آنان تنها در زبان خود را تابع می نامند، ولی در عمل نشانی از این حقیقت دیده نمی شود. لذا وقتی فردی از حضرت علی علیه السلام خواست که او را موعظه کند امام فرمود: (لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَيُرْبِي التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ)؛ «هم چون کسی مباش که بی عمل آرزوی آخرت کند و با آرزوی دراز امید وار توبه باشد. در دنیا چون پارسایان سخن گوید ولی بسان دنیا پرستان عمل کند. (1)

امام حسن عسکری علیه السلام در این باره نقل جالبی دارند ایشان می فرمایند: (قَدِمَ جَمَاعَةٌ فَاسْتَأْذَنُوا عَلَى الرَّضَا لَا وَقَالُوا: نَحْنُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ ، فَمَنْعَهُمْ أَيَّامًا ثُمَّ لَمَّا دَخَلُوا قَالَ لَهُمْ: وَيْحَكُمْ إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ عَمَّارُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الَّذِينَ لَمْ يُخَالِفُوا شَيْئًا مِنْ أَوَامِرِهِ)؛ گروهی خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و اجازه ورود خواستند و گفتند ما از شیعیان علی علیه السلام هستیم. امام چند روز اجازه ورود نداد. سپس (بعد از چند روز اجازه گرفته و) داخل شدند. امام علیه السلام به آنان فرمود: وای بر شما! شیعه امیرمؤمنان علی علیه السلام امام حسن و امام حسین علیه السلام و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر هستند که با هیچ یک از فرمان های علی علیه السلام مخالفت نکردند». (2) یعنی شیعه واقعی کسی است که در عمل و رفتار پیرو آنان

ص: 61

1- . نهج البلاغه، حکمت 142

2- . سفینه البحار، ج 4 ص 551

شیعه یا محب؟

در کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از دو نفر از راویان حدیث به نام «یوسف بن محمد» و «علی بن سیار» آمده است: شبی از شب‌ها به محضر مبارک حضرت ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدیم. هم چنین والی شهر که علاقه خاصی نسبت به حضرت داشت به همراه شخصی که دست‌های او را بسته بودند وارد منزل امام علیه السلام شد و اظهار داشت: یا ابن رسول الله! این شخص را از دکان صراف در حال سرقت و دزدی گرفته ایم و چون خواستیم او را همانند دیگر دزدان شکنجه و تأدیب کنیم، اظهار داشت که از شیعیان حضرت علی علیه السلام و نیز از شیعیان شما است و ما از تعذیب او خود داری کردیم و نزد شما آمدیم تا ما را راهنمایی و تکلیف ما را نسبت به این شخص روشن بفرمایید.

حضرت فرمود: «به خداوند پناه می‌برم او شیعه علی علیه السلام نیست، او برای نجات خود چنین ادعا کرده است. سپس والی آن سارق را از آن جا برد و به دو نفر از مأمورین خود دستور داد تا آن سارق را تعذیب و تأدیب نمایند. پس او را بر زمین خوابانیدند و شروع کردند تا بر بدنش شلاق بزنند؛ ولی هر چه شلاق می‌زدند روی زمین می‌خورد و به آن سارق اصابت نمی‌کرد.

بعد از آن والی مجدداً او را نزد امام حسن عسکری علیه السلام آورد و گفت: یا ابن رسول الله! بسیار جای تعجب است فرمودند که او از شیعیان شما نیست، اگر از شیعیان شما نباشد، پس لابد از شیعیان و پیروان شیطان خواهد بود و باید در آتش قهر خدای متعال بسوزد، ولی من از این مرد معجزه و کرامتی را مشاهده کردم که بسیار مهم خواهد بود؛ هر چه مأمورین بر او تازیانه می‌زدند بر زمین می‌خورد و بر بدن او اصابت نمی‌کرد و تمام افراد از این جریان در تعجب و حیرت قرار گرفته‌اند.

در این هنگام امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به والی فرمود: «ای بنده خدا! او در ادعای خود دروغ می گوید، او از شیعیان ما نیست، بلکه از محبین و دوستان ما می باشد».

والی اظهار داشت: از نظر ما فرقی بین شیعه و دوست نمی باشد، لطفاً بفرمایید که فرق بین آن ها چیست؟

حضرت فرمود: همانا شیعیان ما کسانی هستند که در تمام مسائل زندگی، مطیع و فرمان بر دستورات ما باشند و سعی دارند بر این که در هیچ موردی معصیت و مخالفت ما را ننمایند؛ هر که خلاف چنین روشی باشد و اظهار علاقه و محبت نسبت به ما نماید، دوست ما می باشد، نه شیعه ما.

سپس امام علیه السلام به والی فرمود: «تو نیز دروغ بزرگی را ادعا کردی، چون گفتی معجزه دیده ام و چنان چه این گفتار از روی علم و ایمان باشد، مستحق عذاب جهنم می باشی».

بعد از آن، حضرت در توضیح فرمایش خود افزود: معجزه مخصوص انبیاء و ما اهل بیت عصمت و طهارت می باشد، برای شرافت و فضیلتی که ما بر دیگران داریم و نیز برای اثبات واقعیات و حقایقی که از طرف خداوند متعال به ما رسیده است.

در پایان، امام عسکری علیه السلام به آن مرد - متهم به سرقت - خطاب نمود و فرمود: باید شیعه علی علیه السلام در تمام امور زندگی شیعه و پیرو او باشد و ایشان را در هر حال تصدیق نماید؛ و نیز باید سعی نماید که هیچ گونه تخلفی با ایشان نداشته باشد و خلاصه آن که در همه امور خود را هماهنگ و مطیع ایشان بداند. [\(1\)](#)

شیوه برخورد امام

در نمونه ای دیگر، چنین نقل شده است یکی از نوادگان امام

ص: 63

1- تفسیر الامام العسکری، ص 316، ح 161؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 684، ح 3.

صادق علیه السلام به نام «حسین» ساکن قم و مبتلا به شراب خواری بود یک بار برای حاجتی به در خانه «احمد بن اسحاق» که وکیل اوقاف قم بود رفت و اجازه خواست تا با او ملاقات کند ولی احمد به او راه نداد. سید با حال غم و اندوه به خانه خود برگشت، در همان سال «احمد بن اسحاق» به حج مشرف شد. همین که در بین راه به سامراء رسید اجازه خواست که با امام حسن عسکری علیه السلام ملاقات کند، ولی امام به او اجازه نداد. احمد گریه طولانی و تضرع نمود تا آن گرامی به او اجازه که خدمت آن حضرت رسید، عرض کرد: ای پسر رسول خدا! برای چه مرا از زیارت خود منع نمودی و حال آن که من از شیعیان و موالیان تو هستم؟

حضرت فرمود: برای آن که تو پسر عموی ما را از در منزل خود راندی. احمد گریه کرد و گفت: به خداوند متعال قسم که او را رد نکردم، مگر به خاطر آن که از گناهش توبه کند.

فرمود: راست گفتی و لکن چاره ای نیست جز آن که به سادات احترام بگذاری و در هر حالی آن ها را حقیر نشماری و با آن ها اهانت نکنی که در غیر این صورت، از زیان کاران خواهی بود؛ زیرا که آن ها منتسب به ما هستند.

احمد بن موسی به قم برگشت، طبقات مختلف مردم به دیدن او آمدند و حسین نیز با ایشان بود. همین که چشم احمد به او افتاد از جای خود برخاست و او را در آغوش گرفت و بالای مجلس نشانید. حسین این کار را از او بعید می دانست به همین جهت پرسید: چه شد که روش تو عوض شده است؟ داستان خود را با امام عسکری علیه السلام شرح داد. حسین به محض شنیدن از کرده خود پشیمان شد و از کارهای زشت خویش توبه کرد و به خانه آمد و آن چه از آثار گناه وجود داشت نابود کرد و پرهیزکاری و ورع را پیشه نمود و پیوسته ملازمت عبادت و مساجد را داشت و معتکف در مساجد بود تا وفات نمود و در نزدیکی قبر

مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها به خاک سپرده شد. (1)

ناگفته روشن است که معنای سخن امام علیه السلام این نیست که به گناه کار در مسیر ارتکاب معصیت یاری برسانیم، بلکه چون حضرت با علم غیبی خود شان اصلاح او را از این طریق می دانستند، از این رو چنین فرمودند؛ وگرنه این بدین معنی نیست که هر آلوده به گناهی را باید احسان نمود؛ زیرا کمک رسانی به گناه کار گناه و موجب عقوبت برای انسان خواهد شد.

ص: 65

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: (مِنْ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ: لَيْتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا)؛ از گناهان نا بخشودنی این است که گفته شود: ای کاش مرا به غیر از این گناه مؤاخذه نکنند (یعنی گناه را کوچک و سبک شمارد). (1)

دام های کوچک شیطان

یکی از ترفند های شیطان برای به دام انداختن انسان آن است که در مسیر زندگی معنوی او تله های به ظاهر کوچک و کم ارزش قرار می دهد تا با استفاده از غفلت و نادیده انگاری آن به تدریج او را گرفتار و دربند نماید.

این تله های کوچک، همان گناهان صغیره و به ظاهر نا چیزی است که انسان آن را به حساب نمی آورد و چندان ارزشی برای آن قائل نمی گردد؛ غافل از آن که بی تفاوتی نسبت به این گونه گفتار ها و رفتار ها و نادیده انگاری گناهان کوچک، باعث تنزل معنوی و ایجاد قساوت و تاریکی دل و بی تفاوتی تدریجی نسبت به گناه خواهد شد؛ از این رو گفته شده که «لا صغیره مع الاصرار».

به تعبیر شهید مطهری رحمه الله علیه : در اثر تکرار یک گناه صغیره حکم یک گناه کبیره را پیدا می کند. لهذا می گویند: «لا صغیره مع الاصرار»؛ هر گناه صغیره هم اگر اصرار روی آن واقع شد و تأکید و تکرار گردید ، دیگر نباید آن را صغیره بشمارید ، باید کبیره بشمارید». چرا؟ علتش روشن است: هر گناهی یک مقدار روی قلب انسان و روی روح انسان اثر می گذارد و روح انسان را قسی و فاسد می کند. گناه صغیره یک ذره اثر می گذارد نه زیاد ولی یک ذره اگر تکرار شد می شود دو ذره و ده ذره و صد ذره، بعد اثرش برابر می شود با یک گناه کبیره. (2)

ص: 66

1- تحف العقول، ص 487.

2- نک مرتضی مطهری انسان کامل - صفحه 3031

قرآن کریم نیز درباره صفات پرهیز کاران می فرماید: (وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ)؛ «آنان آگاهانه بر گناهان شان اصرار نمی ورزند». (1) گویا گناه صغیره هم چون نخ نازک و باریکی است که اگر تکرار شود طناب و ریسمان ضخیم و کلفتی می گردد که پاره کردنش مشکل است؛ لذا در روایات اهل بیت علیهم السلام به توبه و استغفار فوری سفارش شده است و این که انسان مؤمن نباید هیچ لغزش و گناهی را کوچک بشمارد و اگر مرتکب لغزش و گناهی شد، فوراً استغفار نماید و با عزم و اراده ای قوی از مسیر گناه آلود جدا و به جاده دین داری و تقوا بازگردد. امام باقر علیه السلام در شرح آیه فوق فرمود: اصرار، عبارت از این است که کسی گناهی کند و از خدا آمرزش نخواهد و در فکر توبه نباشد». (2)

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می فرمود: (اِيَّاكَ وَالْإِصْرَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ وَأَعْظَمِ الْجَرَائِمِ)؛ «از اصرار بر گناه پرهیز، چرا که از بزرگ ترین جرایم است». (3)

چند روایت تکان دهنده

اهمیت و خطر نادیده گرفتن گناهان کوچک که چه بسا از روحیه سرکش و جسور انسان نسبت به خداوند متعال و نیز زمینه سازی برای گناهان بزرگ تر پرده بر می دارد، چنان است که عقوبت و عذاب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: (مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا وَهُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ بَاكٍ)؛ کسی که گناه کند و در آن حال خندان باشد وارد آتش دوزخ می شود در حالی که گریان است». (4)

برهمن اساس است که امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: (من

ص: 67

1- آل عمران / 135 .

2- مشکاة الانوار، ص 394؛ وسائل الشیعه، ج 11 ص 168

3- کافی، ج 2 ص 288

4- مستدرک الوسائل، ج 11، ص 368

الدُّنُوبُ الَّتِي لَا يُغْفَرُ لَهَا لَا-أَوَّحَدُ إِلَّا بِهِذَا)؛ از گناهان نا بخشودنی این است که انسان بگوید: کاش مرا به غیر از این گناه مجازات نکنند. (یعنی آن گناه مورد اشاره را کوچک بشمارد).

و جد بزرگ وار شان امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: (أَشَدُّ الدُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ)؛ «بدترین گناهان آن است که صاحبش آن را کوچک بشمرد». (1)

راوی می گوید وقتی امام صادق علیه السلام فرمود: «از گناه حقیر و ریز، پرهیز (سبک مشمار) که آمرزیده نشود»، عرض کردم: گناهان حقیر چیست؟ فرمود آن است که: (الرَّجُلُ يَذْنِبُ فَيَقُولُ طُوبَى لِي لَوْلَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ)؛ «کسی گناه کند و بگوید خوشا به حال من اگر غیر از این گناه نداشتم». (2)

بنا بر این باید به خدا پناه برد و همانند سید ساجدان علیهم السلام چنین عرضه داشت: (اللَّهُمَّ اعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَآثِمِ وَ اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ)؛ «پروردگارا! به تو پناه می برم از اصرار بر گناهان، و کوچک شمردن گناه». (3)

ص: 68

1- نهج البلاغه، حکمت 348.

2- کافی ج 2 ص 287

3- صحیفه سجادیه دعای هشتم

یکی از نکات مهم زندگی، ضرورت و بایستگی ثبات قدم در باور ها و متزلزل نشدن در فتنه ها و پیش آمد هایی است که ظاهری متفاوت با باور های انسان دارد و عقل آدمی را توانایی تحلیل و هضم آن نیست در این مواقع است که میزان پایداری انسان به اعتقادات روشن می گردد و باور مندان و حق جوینان حقیقی، در موج فتنه ها و شبهات سیل افکن، باید به دامن بزرگان دین و علما ربانی پناه ببرند تا غبار فتنه ها، دامن ایمان آنان را غبار آلود ننماید و از صراط مستقیم منحرف نکنند.

یک نمونه از این قبیل فتنه ها که در عصر امام حسن عسکری علیه السلام پیش آمد و کیان مسلمین را در خطر قرار داد موضوع جا ثلیق مسیحی بود. این تردید به گونه ای بود که اسلام را در آستانه تزلزل قرار داد و اگر نبود افشاگری امام حسن عسکری علیه السلام، خطری بزرگ دین اسلام را تهدید می کرد، اما آن حضرت با افشاگری و تبیین حقیقت، چراغ هدایت را روشن نگاه داشت.

ابن صباغ مالکی آورده است که ابو هاشم گفت: زندانی شدن ابو محمد علیه السلام چندان نپایید که مردم سر من رای (سامرا) دچار قحطی شدیدی شدند. معتمد علی الله، پسر متوکل، دستور داد مردم برای طلب باران از شهر بیرون روند. مردم سه روز طلب باران کردند، اما باران نیامد. روز چهارم جا ثلیق مسیحی همراه مسیحیان و راهبان به صحرا رفت. راهبی میان آنان بود که هر گاه دست به آسمان می گشود، باران سیل آسا می بارید. روز دوم هم به همین منظور بیرون رفتند و باران فراوانی بارید؛ چنان که مردم سیراب شدند و درخواست کردند باران قطع شود. این ماجرا موجب شگفتی و تردید مسلمانان شد و گروهی به مسیحیت متمایل شدند.

خلیفه، شخصی را نزد صالح بن وصیف فرستاد و گفت: ابو محمد حسن بن علی را از زندان آزاد کن و او را نزد من بیاور. وقتی امام آمد،

خلیفه گفت: امت محمد علیه السلام را از این هلاکت و بد بختی رها کن. امام فرمود: به آن ها بگو فردا هم از شهر بیرون روند. خلیفه گفت: وقتی مردم از باران بی نیاز شده اند برای چه بیرون بروند؟ فرمود: برای این که شك را از آنان بزدایم و از ورطه ای که در آن گرفتار آمده و با آن عقل و اندیشه ساده لوحان را به تباهی کشیده اند رها سازم. به این ترتیب، روز بعد هم آنان بیرون رفتند و امام با جمعیتی انبوه از مسلمانان نیز از شهر خارج شد.

نصارا طبق معمول در خواست باران کردند و آن راهب دست هایش را به آسمان بلند کرد و نصارا و راهبان نیز دست به دعا برداشتند. همان زمان ابری پیدا شد و باران آمد. امام دستور داد دست راهب را بگیرند و آن چه در دست دارد خارج سازند. وقتی چنین کردند دیدند استخوانی میان انگشتان اوست. آن را گرفتند و نزد امام آوردند. حضرت آن را در پارچه ای پیچید و به راهب فرمود: حالا در خواست باران کن. او درخواست کرد، اما باران نیامد. بلکه ابر ها هم کنار رفت و خورشید پیدا شد. مردم شگفت زده شدند و خلیفه از امام علت آن را پرسید، فرمود: در دست او قطعه ای از استخوان یکی از پیامبران خدا بود که از قبور انبیا به دست آورده اند. هر گاه استخوان پیامبری زیر آسمان ظاهر شود، باران سیل آسا می بارد. مردم با گفتار امام علیه السلام آرام شدند و دل هایشان مطمئن شد. (1)

نمونه ای دیگر

نمونه دیگر گره گشایی امام از افکار نادرست فردی بود که به زعم خود، در قرآن تناقضات بسیاری یافته بود. «اسحاق کندی» که از فلاسفه اسلام و عرب به شمار می رفت، کتابی تألیف نمود به نام

ص: 70

1- الفصول المهمة، ص 268 صواعق المحرقة ص 207؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 425 به اشتباه متوکل ذکر شده است؛ کشف الغمه، ج 3، ص 219 با تفاوت.

او مدت های زیادی در منزل نشسته و گوشه نشینی اختیار کرده و خود را به نگارش آن کتاب مشغول ساخته بود. روزی یکی از شاگردان او به محضر امام عسکری علیه السلام شرف یاب شد. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: آیا در میان شما مردی رشید وجود ندارد که گفته های استاد تان «کندی» را پاسخ گوید؟

شاگرد عرض کرد: ما همگی از شاگردان او هستیم و نمی توانیم به اشتباه استاد اعتراض کنیم. امام فرمود: اگر مطالبی به شما تلقین و تفهیم شود، می توانید آن را برای استاد نقل کنید؟ شاگرد گفت: آری، امام فرمود: از این جا که برگشتی به حضور استاد برو و با او به گرمی و محبت رفتار نما و سعی کن با او انس و الفت پیدا کنی. هنگامی که کاملاً انس و آشنایی به عمل آمد، به او بگو: مسئله ای برای من پیش آمده است که غیر از شما کسی شایستگی پاسخ آن را ندارد و آن مسئله این است که: آیا ممکن است گوینده قرآن، از گفتار خود معانی ای غیر از آن چه شما حدس می زنید اراده کرده باشد؟

او در پاسخ خواهد گفت: بلی، ممکن است چنین منظوری داشته باشد. در این هنگام بگو: شما چه می دانید، شاید گوینده قرآن معانی دیگری غیر از آن چه شما حدس می زنید اراده کرده باشد و شما الفاظ او را در غیر معنای خود به کار برده اید؟

امام در این جا اضافه کرد او آدم باهوشی است طرح این نکته کافی است، که او را متوجه اشتباه خود کند. شاگرد به حضور استاد رسید و طبق دستور امام رفتار نمود تا آن که زمینه برای طرح مطلب مساعد گردید. سپس سؤال امام را به این نحو مطرح ساخت.

فیلسوف با کمال دقت به سؤال شاگرد گوش داد و گفت: سؤال خود را تکرار کن. شاگرد سؤال را تکرار نمود. استاد تأملی کرد و گفت: آری، هیچ بعید نیست امکان دارد که چیزی در ذهن گوینده سخن باشد که به ذهن مخاطب نیاید و شنونده از ظاهر

کلام گوینده چیزی بفهمد که وی خلاف آن را اراده کرده باشد. استاد که می دانست شاگرد او چنین سؤالی را از پیش خود نمی تواند مطرح نماید و در حد اندیشه او نیست، رو به شاگرد کرد و گفت: تو را قسم می دهم که حقیقت را به من بگویی چنین سؤالی از کجا به فکر تو خطور کرد؟

شاگرد: چه ایرادی دارد که چنین سؤالی به ذهن خود من آمده باشد؟ استاد: نه تو هنوز زود است که به چنین مسائلی رسیده باشی، به من بگو این سؤال را از کجا یاد گرفته ای؟

شاگرد: حقیقت این است که ابو محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) مرا با این سؤال آشنا نمود.

استاد: اکنون واقع امر را گفتی. سپس افزود: چنین سوال هایی تنها زینده این خاندان است.

استاد واقع بین، با درک واقعیت و توجه به اشتباه خود، دستور داد آتشی روشن کردند و آن چه را که به عقیده خود درباره «تناقض های قرآن» نوشته بود، تماماً سوزاند! [\(1\)](#)

ص: 72

امام حسن عسکری علیه السلام: (إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيْنَ حُجَّتِهِ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَ يُعْطِيهِ اللَّغَاتِ ، وَ مَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَ الْأَجَالِ وَ الْحَوَادِثِ ، وَ لَوْلَا- ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَ الْمَحْجُوحِ فَرْقٌ) ؛ «همانا خداوند متعال، حجت و خلیفه خود را برای بندگانش الگو و دلیلی روشن قرار داد، هم چنین خداوند حجت خود را ممتاز گرداند و به تمام لغت ها و اصطلاحات قبائل و اقوام آشنا ساخت و انسب همه را می شناسد و از نهایت عمر انسان ها و موجودات و نیز جریات و حادثه ها آگاهی کامل دارد و چنان چه این امتیاز وجود نمی داشت بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود». (1)

یکی از نشانه های امامت و از راه های شناخت برگزیدگان الهی آن است که رفتار های خارق العاده ای از خود بروز می دهند که در توان دیگران نیست و این بزرگ واران با انتساب این قدرت به ذات مقدس پروردگار، همگان را به سوی صلاح و رستگاری فرا می خوانند.

قابل تأمل آن که این استفاده از علم غیبی و پیش گویی های غیبی در مواردی بود که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت (هم چون مشروعیت امامت آنان) در معرض خطر قرار می گرفت، بدین روی از این آگاهی به صورت ابزار هدایت استفاده می کردند.

مشهور است که امام عسکری علیه السلام بیش از امامان دیگر آگاهی غیبی خود را آشکار می ساخته است که به نظر می رسد علت این امر شرائط نا مساعد و جو پر اختناق بود که امام یازدهم و پدرش امام هادی در آن زندگی می کردند؛ زیرا از وقتی که امام هادی از سر اجبار به سامراء منتقل گردید به شدت تحت مراقبت و کنترل بود از این رو امکان معرفی فرزندش «حسن» به عموم شیعیان به عنوان امام بعدی وجود نداشت و اصولاً این کار، حیات او را از ناحیه حکومت

ص: 73

وقت در معرض خطر جدی قرار می داد. به همین جهت کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب، در ماه های پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت، (1) به طوری که هنگام رحلت آن حضرت هنوز بسیاری از شیعیان از امامت حضرت «حسن عسکری» آگاهی نداشتند. (2)

گویا عامل دیگری نیز در این زمینه بی تأثیر نبوده و آن اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت «محمد بن علی»، برادر حضرت عسکری، در زمان حیات امام هادی بوده است. این گروه بر اساس همین پندار او را در محضر امام هادی احترام می کردند، ولی حضرت با این پندار مبارزه می کرد و آنان را به امامت فرزندش حسن راهنمایی می نمود.

این عوامل دست به دست هم داده و موجب شک و تردید گروهی شک از شیعیان در امامت آن حضرت در آغاز کار گردیده بود، از این رو آن حضرت برای زدودن زنگار این شک و تردید ها و نیز گاه برای حفظ یاران خود از خطر و یا دل گرمی آنان و یا هدایت گم راهان، ناگزیر می شد پرده های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر، خبر دهد، و این، از مؤثر ترین شیوه های جلب مخالفان و تقویت ایمان شیعیان

بود. (3)

دو نمونه از علم غیب امام عسکری علیه السلام

الف: خبر از دل خادم

ابی حمزه نصیر خادم می گوید: از امام عسکری علیه السلام بار ها شنیدم که با غلامانش که ترک زبان یا رومی و... بودند با زبان آن ها صحبت کرد من از این مسئله تعجب کردم و در دل با خودم گفتم: «آخر» این [امام] در مدینه به دنیا آمده [چگونه ترکی و رومی و... صحبت می کند]...

ص: 74

1- شیخ محمد جواد طبسی حیاة الامام العسکری، ص 217

2- . مسعودی، اثبات الوصیه، ص 234.

3- سیره، پیشوایان مهدی، پیشوایی ص 643.

این را به خود گفتم، سپس حضرت عسکری به من رو کرد و فرمود: (إِنَّ اللَّهَ جَلَّ إِسْمُهُ أَبَانَ حُجَّتِهِ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ وَأَعْطَاهُ مَعْرِفَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يَعْرِفُ اللُّغَاتِ وَالْأَشْدَّ بَابَ وَالْحَوَادِثَ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقًا)؛ به راستی خداوندی که نامش بلند است، حجتش را از دیگر مخلوقاتش ممتاز نموده [به این صورت که] به او شناخت همه چیز را عطا فرموده و او (حجت خدا) به زبان های مختلف اسباب و علل کارها و حوادث [گوناگون که پیش می آید] آگاهی و شناخت دارد، اگر این نبود، بین حجت (امام) و مردم فرقی نبود. (1)

ب: درخواست مالی

«ابو هاشم جعفری» می گوید: از نظر مالی در مضیقه بودم. خواستم وضع خود را طی نام های به امام عسکری علیه السلام بنویسم، ولی خجالت کشیدم و صرف نظر کردم. وقتی که وارد منزل شدم، امام صد دینار برای من فرستاد و طی نامه ای نوشت: «هر وقت احتیاج داشتی، خجالت نکش و پروا مکن و از ما بخواه که به خواست خدا، به مقصود خود می رسی». (2)

ص: 75

1- ارشاد شیخ مفید، ص 322؛ کشف الغمة، ص 305؛ به نقل از محبّة البیضاء، ج 4، ص 326

2- کافی، ج 1، ص 508، ارشاد، ص 343

یکی از خصلت های ممتاز و پسندیده فرد مسلمان، کیاست و زیرکی است تا در موارد نیاز، بتواند ضمن حفظ ایمان و تقوا از مهلکه ها برهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمود: (الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ)؛ «انسان مؤمن، زیرک، عاقل و هشیار است». (1) حضرت علی علیه السلام نیز می فرمود: (حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَإِفْطَارُهُمْ)؛ خوشا خواب زیرکان و خوشا افطار شان». (2)

روزی یکی از أصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، در مجلس آن حضرت به آن گرامی عرضه داشت که یکی از برادران شیعه، نزد من آمد و از من پرسید: «من گرفتار مخالفان مذهب شیعه شده ام و آنان مرا در مسئله امامت، می آزمایند و قسم می دهند، جانم در خطر است، چه کنم تا از دستشان نجات یابم؟»

من به او گفتم: «مگر چه می گویند؟» گفت: «می گویند که آیا معتقدی فلانی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله امام است و من چاره ای جز گفتن آری ندارم و گرنه مرا به باد کتک می گیرند. من هم به ناچار گفتم: «نعم؛ آری» و قصدم گفتن «نعماً» از انعام بود که شامل شتر، گاو و گوسفند می شود؛ اما آنان اصرار می کنند و می گویند بگو: «وَالله؛ به خدا سوگند.»

ای پسر رسول الله! من به آن شیعه مظلوم گفتم: «اگر گفتند بگو «و الله» تو بگو «ولی»؛ از فلان کار صرف نظر کرد؛ زیرا آنان پی نخواهند برد و تو جان سالم به دربری.»

پس به من گفت: «اگر به صورت واضح از من خواستند بگویم «و الله» و «ها» را در آن آشکار کن، چه کنم؟

گفتم: «بگو: «و الله» (و خداوند) و «ها» را رفع بده؛ زیرا در صورت عدم کسره دادن به «ها»، سوگند شمرده نمی شود.» آن دوست مؤمن رفت و

ص: 76

1- بحار الانوار، ج 64، ص 307

2- نهج البلاغه حکمت 145

پس از مدتی نزد من آمد و گفت: همان مطالب را بر من عرضه داشتند و مرا قسم دادند، و همان طور که تو گفتی عمل کردم.»

امام حسن عسکری علیه السلام به او فرمود: (أَنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ لَقَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِصَاحِبِكَ بِتَقِيَّتِهِ بِعَدَدِ كُلِّ مَنْ أَسَدَ تَعْمَلُ التَّقِيَّةَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مَوَالِينَا وَ مُحِبِّينَا حَسَنَةً وَ بِعَدَدِ مَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ مِنْهُمْ حَسَنَةً أَذْنَاهَا حَسَنَةٌ لَوْ قُوِيلَ بِهَا ذُنُوبٌ مِائَةً سَنَةً لَغُفِرَتْ وَ لَكَ بِإِشَادِكَ إِيَّاهُ مِثْلُ مَا لَهُ)؛ تو مشمول همان فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی که فرمود: «راهنمای به خیر هم چون انجام دهنده آن است.» خداوند برای رفیق تو به سبب تقیه ای که کرد به شمار افرادی از شیعیان و موالیان و دوست داران ما که تقیه را به کار بسته اند، حسنه عطا کرده و به تعداد افرادی که تقیه را ترک گفته اند نیز حسنه نوشته است. کم ترین آن حسنه، آن است که اگر با گناهان صد سال رو به رو شود، همه آمرزیده شود و برای تو به سبب این راهنمایی و ارشاد همانند او حسنه خواهد بود. ⁽¹⁾

ص: 77

1- الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی، طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، 1403، ج 2، ص 460

امام عسکری علیه السلام فرمودند: (الْمَقَادِيرُ الْغَالِيَةُ لَا تُدْفَعُ بِالْمَعَالِيَةِ وَالْأَرْزَاقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّهِ وَلَا تُدْفَعُ بِالْأَمْسَاكِ عَنْهَا).

بعد از جنگ جهانی اول، بیماری وبا در اروپا شیوع پیدا کرد. آن زمان میکروب و با کشف شده بود و همه می دانستند که این میکروب با آب منتقل می شود.

یکی از خانم های تحصیل کرده که از وبا می ترسید، فوق العاده مراقب خود بود؛ آب نجوشیده نمی خورد سبزیجات را با پر منگنات می شست، میوه های خام را نمی خورد و یا کاملاً ضد عفونی می کرد.

حساسیت و دقت او به گونه ای بود که حتی غذا هایش را نیز خودش تهیه می کرد؛ زیرا به مستخدم بی سوادش اطمینان نداشت. خلاصه هر کاری که لازم بود انجام می داد تا از این بیماری در امان بماند و مبتلا نشود.

این خانم یک روز می خواست شیر بنوشد؛ از این رو شیر را کاملاً جوشاند و صبر کرد تا سرد شود، اتفاقاً مگسی در آن شیر افتاد و سپس از آن آمد. خانم با این که این صحنه را دید اما توجهی نکرد؛ زیرا در آن وقت مگس، جزء ناقلین میکروب و با به حساب نمی آمد.

آن زن شیر را نوشید و پس از چندی بر اثر ابتلا به بیماری وبا بیرون در گذشت . (1)

احتیاطش کرد از سهو و خباط (2) *** چون قضا آید چه سودست احتیاط (3)

مکتب خانه ی انبیا

یکی از ویژگی های مکتب انبیا که آن را از دیگر مکاتب مادی جدا

ص: 78

1- داستان دوستان ص 642

2- گرد و غباری که از حرکت پا بر می خیزد حالتی شبیه به دیوانگی

3- مولوی.

و ممتاز می کند، این است که در مکتب خدا پرستان تنها یک اراده حکومت می کند که همان اراده خداوند است. (لَا مُؤَثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ).

باور مندان مسلمان بر طبق آموزه های دینی، در عین حال که اصل علیت و تأثیر گذاری اسباب طبیعی را باور دارند خداوند را به عنوان سبب ساز و سبب سوز قدرت مندی می دانند که همه چیز در قبضه اختیار او و مقهور قدرت و شوکت اوست و بر خلاف نگرش انسان های سطحی نگر، که همه چیز را در چار چوب مادی علت و معلولی می بینند خداوندی که این اسباب را آفریده و به هر یک خاصیت و اثر بخشیده است، همو می تواند بر فراز این علل و معلولات و سبب و مسببات مادی، در هر لحظه که بخواهد آن اثر و خاصیت را از آن ها گرفته و خنثی نماید تا انسان بداند که حقایق عالم تنها آن نیست که او می بیند و می فهمد.

چه بسا تأکید بر گفتن «ان شاء الله» (1) نیز گویای همین نکته باشد که حقایق عالم هستی، تنها آن نیست که به چشم سر می بینیم و آن گاه که بنا بر حکمت و تدبیر، الهی، مشیت پروردگار بر تحقق امری تعلق بگیرد، کوتاه ترین، کارا ترین و نزدیک ترین راه را برای رسیدن به مقصد و تحقق اهداف پیش پای انسان قرار می دهد؛ زیرا از قدرتی مدد خواسته است که بر هر کاری تواناست و فرا تر از ذهن و اراده ها اسباب را در اختیار انسان قرار می دهد؛ گاه آتش را سرد و گاه کودک را در گهواره به نطق می آورد و ده ها نمونه و مصداق دیگر.

مهم آن است که بدانیم و بپذیریم که حوادث و اتفاقات اطراف ما، بدون دلیل و حکمت نیست و همه چیز تحت سیطره و اراده ی خداوند قرار داشته و در علم الهی ثبت شده است؛ لذا امام حسن عسکری علیه السلام

ص: 79

1- (وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا) نباید درباره ی کاری که می خواهی فردا انجام دهی بگویی که من آن را انجام می دهم مگر آن که - بگویی اگر - خدا بخواهد و خدا را هنگامی که فراموش کردی یاد کن و بگو شاید و امید است که پروردگارم مرا به کوتاه ترین راه رشد هدایت و رهنمون سازد کشف، 23-24 .

می فرماید: (الْمَقَادِيرُ الْعَالِيَةِ لَا تَدْفَعُ بِالْمَغَالِيهِ وَالْأَرْزَاقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّهِ وَلَا تَدْفَعُ بِالْأُمْسَاكِ عَنْهَا)؛ مقدراتی که در انتظار ظهور می باشد با زرنگی و تلاش از بین نمی رود و آن چه مقدر باشد خواهد رسید هم چنین رزق و روزی هر کس، ثبت و تعیین شده است و با حرص و طمع ورزی و زیاده خواهی به دست نمی آید، هم چنان که با نگه داری هم نمی توان آن را دفع کرد.» (1)

یعنی آن چه خواست و مشیت الهی بدان تعلق گرفته و بر طبق مصلحت و حکمت خداوند باشد محقق خواهد شد؛ اگر چه درک و دریافت انسان آن را بر تابد.

ص: 80

1- أعلام الدين، ص 313؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 379

همه انسانها علاقه مندیه‌ها و تعلقاتی دارند که در بسیاری از موارد دل‌کندن از آنها سخت و جان‌فرسا خواهد بود؛ از علاقه و محبت به زن و فرزند و فامیل گرفته تا تعلق خاطری که به امکانات رفاهی و تجملات دنیایی پیدا کرده است. قطعاً اصل این محبت چیزی بدی نیست ولی نباید دل‌بستگی به گونه‌ای باشد که ایمان و آخرت خود را فدای آنها کند. اگر انسان به این باور برسد که رها کردن خود از تعلقات و دل‌بستگی‌ها، باعث اوج گرفتن، آرامش روح و روان و دیگر اتفاق‌های خوب در زندگی او می‌شود برای دل‌کندن و دست‌کشیدن رغبت پیدا می‌کند. دستوراتی که در آموزه‌های دینی مبنی بر انفاق و احسان صدقه دادن، بخشش، اموال قرض دادن وقف کردن و مانند آن آمده است، همگی بهانه‌هایی است که باعث می‌گردد تعلق خاطر به داشته‌های دنیایی در انسان تعدیل پیدا کند و در مسیر درست قرار گیرد. قرآن کریم آموزه زیبای دل‌کندن از تعلقات و رهایی از زنجیرهای مادیات را چنین ترسیم می‌کند: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است. (1)

به قول حافظ:

ده روز مهر، گردون، افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا

سخاوت در سیره امام عسکری علیه السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برترین نمونه و اسوه کامل صفات عالی‌ه انسانی بودند و در زندگی خود اهل خیرسانی به مردم و احسان و

ص: 81

نیکی به آنها بودند. در زیارت جامعه در وصف احسان و سخاوت ایشان چنین میخوانیم: «فَعَلِکُمُ الْخَيْرَ ، وَعَادَکُمُ الْإِحْسَانَ، وَسَجَّیْتُکُمُ الْکَرَمَ؛ سفارش شما تقوا و کار شما خیر و نیکی است. عادت شما نیکی و روش شما کرم و بخشش است (1)».

امام حسن عسکری علیه السلام نیز همانند اجداد بزرگوارشان اهل سخاوت و احسان بودند و در مناسبتهای گوناگون از نیازمندان و گرفتاران دستگیری می کردند.

«محمد بن علی می گوید: زمانی بر اثر تهیدستی کار زندگی بر ما سخت شد پدرم: گفت بیا با هم به نزد ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) برویم. میگویند او مردی بخشنده است و به جود و سخاوت شهرت دارد. گفتم او را میشناسی؟ گفت نه او را هرگز ندیده ام. با هم به راه افتادیم در بین راه پدرم: گفت چقدر خوب است که آن بزرگوار دستور دهد به ما پانصد درهم بپردازند تا با آن نیازهایمان را برطرف کنیم دویست درهم برای لباس دویست درهم برای پرداخت بدهی و صد درهم برای مخارج دیگر من پیش خود گفتم کاش برای من هم سیصد درهم دستور دهد که با صد درهم آن یک مرکب بخرم و صد درهم برای مخارج و صد درهم برای پوشاک باشد تا به کوهستان در اطراف همدان و (قزوین) بروم. هنگامی که به سرای امام رسیدیم غلام آن حضرت بیرون آمده و گفت علی بن ابراهیم و پسرش محمد وارد شوند. چون وارد شده و سلام کردیم امام به پدرم فرمود: ای علی! چرا تاکنون نزد ما نیامده ای؟»

پدرم گفت: ای آقای من! خجالت میکشیدم با این وضع نزد شما بیایم.

وقتی از نزد آن حضرت بیرون آمدیم غلام آمده و کیسه پولی را به

ص: 82

1- نک: زیارت جامعه کبیره مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

پدرم داد و گفت: این پانصد درهم است دویست درهم برای پوشاک، دویست درهم برای بدهی و صد درهم برای مخارج دیگر آنگاه کیسه ای دیگر درآورده و به من داد و گفت این سیصد درهم است، صد درهم برای خرید مرکب و صد درهم برای پوشاک و صد درهم دیگر برای سایر هزینه‌ها اما به کوهستان، نرو، بلکه به سوره (1) برو! (2). بر این باور، شیعیان و محبان آن حضرت باید با تاسی به ایشان در حد توان خود به گره‌گشایی از مشکلات و رفع موانع زندگی مردم بپردازند به ویژه افراد ثروتمند که وظایفشان بیش از دیگران است و با کمک به نیازمندان می‌توانند در دنیا از دعای خیر دلسوختگان و گرفتاران بهره‌مند گردند و از طرفی آخرت خویش را هم آباد نمایند. به همین سبب بود که امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمود: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَنَفْعُ الْأَخْوَانِ؛ دو خصلت و حالتی که بالاتر از آن دو چیز نمی‌باشد عبارتند از ایمان و اعتقاد به خداوند و نفع رساندن به دوستان و آشنایان

ص: 83

1- منطقه ای نزدیک بغداد.

2- اصول کافی، کتاب الحجة باب مولد ابی محمد الحسن بن علی، ح 3؛ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج 2، ص 917، قم، هجرت، ۴۷۳۱.

همانگونه که در صفحات ابتدایی کتاب اشاره شد، یکی از ابعاد هفتگانه فعالیت‌های امام حسن عسکری علیه السلام آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند خود امام دوازدهم بود.

با توجه به حدیث ثقلین و نیز روایات متعددی که در آنها به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر وجود 12 نفر به عنوان جانشین نام برده و آن حضرت مسیر هدایت بشر را معین نموده بودند، از این رو تمامی ائمه علیهم السلام در زمان حیات خویش امام پس از خود را معرفی و در مواردی نیز با دلایل و کرامات متعدد به تثبیت و تکمیل این فرایند اقدام می نمودند.

آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم

این آماده سازی مردم برای غیبت امام زمان علیه السلام به گونه ای است که روایات غیبت امام دوازدهم و نیز نشانه های ظهور و وظایف شیعیان و نیز لزوم صبر و تلاش برای ظهور و ثواب انتظار فرج، به تدریج و در همه عصرها از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله تا دیگر پیشوایان نقل شده و ضمن آگاهی بخشی به وجود چنین شخصی، آنان را برای دوران غیبت مهیا می ساختند. شاید یکی از دلایل اصلی انتخاب این روش آن است که پنهان شدن پیشوا و رهبر هر جمعیت، يك حادثه غیرطبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن برای مردم دشوار است؛ از این رو پیامبر و امامان، پیشین به تدریج مردم را با این موضوع آشنا، ساخته افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام، به صورت جدی تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی بعضی از کارها را به وسیله نمایندگان انجام میداد و خود کمتر با افراد تماس میگرفت. این امر در زمان امام عسکری، جلوه بیشتری یافت و ایشان ضمن تأکید بر تولد حضرت مهدی او را فقط به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان میداد. از سوی دیگر، تماس

مستقیم شیعیان با خود آن حضرت نیز روز به روز محدودتر و کمتر می شد؛ به گونه ای که حتی در شهر سامرا از طریق نامه یا به وسیله نمایندگان خویش به مردم پاسخ میداد. بدین ترتیب آنان را برای پذیرش اوضاع و شرایط عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آماده می ساخت. این همان روشی است که امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغرا در پیش گرفت و به تدریج شیعیان را برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت (1).

بنابراین یکی از اقدامات مهم امام حسن عسکری علیه السلام، ایجاد بستر ذهنی و آمادگی فکری برای دوران غیبت آخرین حجت خداوند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری

امام حسن عسکری علیه السلام در فاصله پنج سال و چند ماهی که از تولد حضرت مهدی عجل تا شهادت ایشان وجود داشت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شیعیان معرفی میکند تا در شناخت آخرین امام، به گمراهی نیفتند. به عبارت دیگر سالهای آغازین زندگی امام مهدی دوره بسیار حساسی است. از سویی دشمنان به دنبال آنند که فرزند امام حسن عسکری را شناسایی کرده به قتل برسانند و از سوی دیگر شیعیان و دوستان مهدی عجل میخواهند امام دوازدهم را بشناسند تا به گمراهی گرفتار نشوند؛ بنابراین امام عسکری در همان حال که مراقب است دشمن از تولد فرزندش باخبر نشود و ولادت او پوشیده بماند، برای جلوگیری از گمراهی شیعیان و انحراف از مسیر امامت و رهبری، آنان را از ولادت فرزندش که همان جانشین بر حق اوست آگاه میسازد. براین اساس آن حضرت با چندین روش فرزندشان را به دیگران معرفی کرده و مقدمات امامت ایشان را فراهم نمودند که در ادامه اشاره

ص: 87

ای به آنها خواهیم داشت.

یک نشان دادن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الان به خواص

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و از پیروان ویژه امام یازدهم است می گوید خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و میخواستم درباره امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم، فرمود: ای احمد همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده زمین را از حجت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد. به واسطه حجت خدا بلا از اهل زمین برداشته میشود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره‌های زمینی بیرون می آید.

عرض کردم ای پسر رسول خدا امام و جانشین پس از شما کیست؟» آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت و در حالی که پسری سه ساله بر دوش داشت که رویش همانند ماه تمام میدرخشید فرمود ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجت‌های او گرامی نبودی، این پسر مرا به تو نشان نمیدادم همانا او همانم و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

گفتم: سرور من آیا نشانه ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟

[در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت: «من بقية الله در زمین هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت. ای احمد بن اسحاق پس از این که با چشم خود میبینی در پی نشانه مباش!».

احمد بن اسحاق گوید: «پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام بیرون رفتم⁽¹⁾. همچنین محمد بن عثمان و چند تن دیگر از بزرگان شیعه نقل می کنند:

ص: 88

چهل نفر از شیعیان نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود پس از من این امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و [بدانید که] پس از امروز او را نخواهید دید....(1)

دو. استفاده از سنت عقیقه

یکی از برنامه‌های دینی و سنت‌های اسلامی عقیقه کردن و ولیمه دادن برای نوزاد است؛ یعنی گوسفندی قربانی کرده، جماعتی از مردم را میهمان مینمایند که در سلامتی و طول عمر فرزند، تأثیر فراوان دارد. امام حسن عسکری بارها برای فرزندش عقیقه کرد(2) تا ضمن عمل به صلی الله این سنت نیکوی پیامبر صلی الله علیه و اله گروه‌های بسیاری از شیعیان را از ولادت امام دوازدهم آگاه سازد.

محمد بن ابراهیم: گوید امام عسکری علیه السلام برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سربریده‌ای فرستاد و فرمود: این از عقیقه فرزندم محمد است»(3).

سه. خبر دادن از طریق نامه‌نگاری

یکی از نوادگان احمد بن اسحاق قمی که از برجستگان و شایستگان شعیه است میگوید: نامه‌ای از مولایمان حضرت عسکری به جدّ بزرگوارم احمد بن اسحاق که نماینده آن حضرت بود رسید که در آن به خط آن حضرت آمده بود برای ما فرزندی به دنیا آمد. این رازی است که باید نزد تو باشد و از مردم پوشیده بماند. ما [ولادت] او را جز برای نزدیکترین بستگان و دوستان آشکار نکردیم. دوست داشتیم آن را به شما اعلان کنیم تا خدا تو را به وسیله آن، شاد گرداند؛

ص: 89

1- کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، باب 43، ج 2، ص 162

2- همان، ج 2، باب 42.

3- همان، ح 10، ص 158.

چهار معرفی هنگام دریافت هدایای مادی

یکی از برنامه‌های شیعیان فرستادن هدایای مادی و واجبات مالی برای امامان معصوم بوده است آن بزرگواران نیز پس از پذیرفتن آنها از نیازمندان جامعه رفع نیاز می کردند.

ابن اسحاق یکی از وکیل‌های امام حسن عسکری می گوید: اموالی از شیعیان را به محضر امام یازدهم بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم. در آن حال فرزند خردسال حضرت با چهره ای که مانند ماه تمام می درخشید در کنار امام حضور داشت امام عسکری رو به فرزند خود کرده، فرمود: «فرزندم هدایای شیعیان و دوستان را باز کن».

کودك فرمود: «ای مولای من آیا رواست دست پاك [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به يك دیگر آمیخته است، دراز کنم؟»

امام عسکری فرمود: «ای ابن اسحاق آنچه در میان اینان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند پس اولین کیسه را بیرون آوردم . کودك گفت: این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است [و نام او و نام محله اش را فرمود] که در آن شصت و دو اشرفی است. چهل و پنج اشرفی از آن بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه جامه است که فروخته و سه دینارش وجه اجاره دکان ها است». امام عسکری فرمود: «فرزند عزیزم راست گفتی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام [از این اموال] حرام است؟» کودك با دقت تمام سکه های حرام را مشخص و علت حرام بودن آنها را به روشنی

ص: 90

سپس کیسه دیگری بیرون آوردم آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن فرمود در آن، کیسه پنجاه اشرفی است که دست زدن بدان برای ما روا نیست. سپس علت ناپاکی آن اموال را يك به يك بیان کرد. آن گاه امام عسکری علیه السلام فرمود: «پسر جانم! راست گفتی. سپس رو به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: «همه را به صاحبش برگردان یا سفارش کن که آنها را به صاحبانش برسانند. ما را نیازی به آن نیست(1)».

پنج. تعیین نشانه های جانشین و معرفی حضرت مهدی به عنوان جانشین خود

یکی از مسؤولیتها و اقدامات بزرگ امام حسن عسکری علیه السلام، معرفی حضرت مهدی به جانشینی خود بود. ایشان در موقعیتهای فراهم آمده در سخن و عمل به معرفی امام زمان علیه السلام می پرداختند و ناله و مشخصات و نشانه های ایشان را برای شیعیان تبیین می کردند. «ابو الادیان یکی از بزرگترین نامه رسانهای آن حضرت بوده است. او می گوید: نامه های آن حضرت را به شهرها می بردم. در بیماری که امام با آن از دنیا رفت به خدمتش رسیدم حضرت نامه هایی نوشت و فرمود: «اینها را به مدائن میبری پانزده روز در سامرا نخواهی بود روز پانزدهم که داخل شهر شدی خواهی دید که از خانه ی من شیون بلند است.... عرض کردم سرور من امام بعد از شما کیست؟ حضرت سه نشانه ارائه فرمودند: نماز خواندن بر جنازه ی من خبر دادن از نامه ها و جواب دادن به زائران، قمی که هر سه در حضرت مهدی علیه السلام محقق شد»(2).

همچنین در موارد فراوانی با کلمات مختلف به معرفی جانشین خود

ص: 91

1- کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، باب 43، ح 21، ص 190.

2- نک: کمال الدین شیخ مفید، ص 475؛ سیره ی پیشوایان مهدی، پیشوایی ص 660 بحار الانوار، ج 50، ص 332.

به افراد مورد اطمینان پرداخته است برخی از تعبیری که امام یازدهم برای معرفی حضرت مهدی به کار برده، بدین قرار است:

«هذا صاحبكم بعدی؛ این بعد از من صاحب شما است»⁽¹⁾.

«ان ابني هو القائم من بعدی؛ همانا، فرزندم قائم بعد از من است»⁽²⁾.

«هذا امامكم من بعدی و خلیفتی علیکم؛ این پیشوای شما پس از من و جانشین من بر شما است»⁽³⁾.

«ابنی محمد هو الامام الحجة بعدی؛ فرزندم محمد، همان امام و حجت پس از من است.»⁽⁴⁾

شش تکمیل زنجیره نیابت از طریق تربیت شاگردان ممتاز

هرچه زمان به دوران امام عصر علیه السلام نزدیک تر می شد - با توجه به اختناق موجود و نیز پراکندگی شیعیان در مناطق و کشورهای مختلف و آگذاری امور به نمایندگان امام و ارتباط با معصوم علیه السلام از طریق نایبان خاص و رابطه های غیر حضوری بیشتر می شد.

یکی از کارهای امام عسکری علیه السلام در زمینه معرفی آخرین امام تعیین شخصیت های مورد وثوق برای وکالتی است که پس از شهادت ایشان هم همان روش وکالت را تداوم بخشیدند و ضمن اطمینان یخشی به شیعیان آنان را از تفرقه و اختلاف دور نگه داشتند.

یکی از این افراد عثمان بن سعید عمری است که به زیات و سمان (یعنی روغن) فروش معروف بوده؛ زیرا فعالیت های سیاسی مذهبی

ص: 92

1- شیخ مفید، الارشاد، ج 2، ص 348

2- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 524، ح 4.

3- همان، ص 435، ح 2.

4- همان، ص 409، ح 9.

خود را در پوشش این کار انجام میداد(1).

عثمان بن سعید از جوانی خدمت گذار چند امام بود. وی وکیل امام هادی علیه السلام و در ده سال آخر امامت آن حضرت، رهبر سازمان وکالت(2) و رئیس وکلای امام عسکری علیه السلام بود. تمام وجوهات پیروان امام عسکری به او تحویل میشد(3).

او پس از شهادت امام یازدهم وکیل ویژه و نائب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شد و به عنوان اولین نائب از نواب اربعه به انجام وظایف محوله پرداخت.

امام عسکری علیه السلام درباره او فرموده بود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد نیز وکیل پسر من مهدی خواهد بود(4).

پس از شهادت امام حسن عسکری، همین عثمان بن سعید عمری بود که مراسم غسل دادن و کفن کردن و خاکسپاری آن حضرت را عهده دار شد(5) این خود بر مقام والای عثمان بن سعید دلالت می کند. نایب دوم؛ محمد بن عثمان بن سعید عمری پس از رحلت عثمان بن سعید، پسرش سعید به جای او نشست و به وکالت و نیابت خاص از سوی امام عصر عج منصوب شد. محمد بن عثمان نیز همانند پدرش از نظر تقوا و موقعیت اجتماعی مورد قبول و احترام خاص شیعیان بود. در بزرگی شخصیت او همین بس که امام عسکری درباره او و پدرش به احمد بن اسحاق قمی(6)، چنین فرمود: عمری و پسرش - محمد بن عثمان هر دو امین و مورد اعتماد من

ص: 93

1- الغیبه طوسی، ص 214؛ بحار الانوار، ج 51، ص 344.

2- رجال طوسی، ص 526

3- تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ص 149.

4- الغیبه، طوسی، ص 216؛ منتخب الاثر، ص 394.

5- تاریخ الغیبه الصغری، ص 399.

6- او وکیل امام عسکری علیه السلام در میان شیعیان قم و از چهره های مشهور و مورد اعتماد شیعه بوده و محضر سه امام بزرگوار (امام هادی و امام عسکری و امام مهدی علیه السلام) را درک کرده است.

هستند. آنچه به تو برسانند از جانب من میرسانند و آنچه به تو بگویند از طرف من میگویند. سخنان آنان را بشنو و از آنان پیروی کن؛ زیرا این دو نفر مورد اعتماد و امین من هستند(1).

به علاوه امام حسن عسکری پیشاپیش از نیابت او، شیعیان را آگاه کرده بود: «شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد وکیل فرزندم مهدی است(2).

نایب سوم؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

در تکمیل فرایند گسترش حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان و نواب خاص، سومین نائب امام زمان عج یعنی «حسین بن روح نوبختی برگزیده شد. او از طایفه بنی نوبخت قم است که در زمان نخستین نائب امام به بغداد مهاجرت کرد(3). حسین بن روح پیش از درگذشت نایب دوم از ناحیه مقدسه به نیابت منصوب شد و توسط نایب دوم به خواص شیعیان و وکیلان حضرت مهدی معرفی شد. درباره شخصیت او بعضی نوشته اند که از اصحاب امام عسکری بوده(4) و در میان شیعیان بغداد موقعیت اجتماعی خوبی داشته است(5). نایب چهارم نیز از خانواده ای متدین و پیرو اهل بیت علیهم السلام بود؛ به گونه ای که بسیاری از خاندان او نیمی از درآمد املاک خود را وقف امام حسن عسکری کردند و آن اموال را به صورت سالانه برای آن حضرت، می فرستادند(6).

بر این اساس، امام حسن عسکری علیه السلام از طریق تشکیل شبکه وکلای امین و مورد وثوق زمینه های تداوم ارتباط شیعیان با امام زمان علیه السلام را فراهم کردند و ایشان از طریق نواب اربعه نائبان چهارگانه، با حضرت

ص: 94

1- العمری و ابنه ثقتان، ما أديا عني فعني يؤديان». الغيبة طوسی، 395؛ کافی، ج 1، ص 230.

2- همان، 356.

3- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص 192.

4- مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 423.

5- الغيبة، طوسی، ص 371 و 372.

6- همان.

حجت عج در ارتباط بودند و مشکلات و مسائل خود را مطرح کرده و راه حلها و دستورهای دینی و فقهی خود را دریافت می کردند.

آغاز عصر غیبت

با پایان یافتن دوران غیبت صغرا و نیابت خاص در سال 329 (هجری) و رحلت چهارمین سفیر حضرت مهدی علیه السلام، دوران غیبت کبرا آغاز شد و و مراجعه به علما و مراجع دینی با عنوان نیابت عام، به عنوان راهکار توسط حضرت مهدی عج برای آینده شیعیان شکل گرفت به این صورت که امام زمان علیه السلام، ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی را اعلام کردند که در هر عصر و زمانی، فرد شاخصی که آن ضابطه از هر جهت و در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا، سرپرست جامعه باشد؛ سخنش سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفتش حرام خواهد بود.

اسحاق بن یعقوب درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا از امام مهدی علیه السلام پرسید و توقیع ذیل در پاسخ او صادر گردید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ میدهد، باید به راویان اخبار ما دانشمندان علوم دینی رجوع کنید؛ ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدای بر آنانم(1)

پیش از این امام حسن عسکری علیه السلام درباره ی فقیهان راستین، ویژگیهای آنها و مسئولیت جامعه در برابر آنها چنین فرموده بود: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ: صَانِعًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛ و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند و با هوای نفس خود مخالفت

ص: 95

1- کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 290 ح 247 کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 483، باب 45 ح 4

عصر انتظار

در ادبیات شیعه، مفهوم انتظار تالو و درخشش زیبایی داشته و با یادآوری آیات امید بخشی همانند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(2)، تشکیل حکومت جهانی موعود و مدینه ی فاضله ی مهدوی را نوید می دهد و اینکه روزی خواهد آمد که همه ی جهانیان و به ویژه شیعیان و مظلومان عالم، زیر پرچم عدالت و کرامت مهدوی خواهند زیست و طعم خوش زندگی بیدغدغه و همراه با معنویت را خواهند چشید.

انتظار شیعه از جنس حرکت و پویایی و کسب آمادگی برای سربازی و جانبازی در رکاب آن حضرت همراه با دعا و التجا به محضر ربوبی پروردگار است؛ از این رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله انتظار را از جنس عمل دانستند و فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ، انتَظَارُ الْفَرَجِ»(3)؛ یعنی با صرف دعا برای فرج کسی منتظر حقیقی نامیده نخواهد شد، بلکه این چشمانتظاری باید در رفتار و سبک زندگی آنان بروز و ظهور داشته باشد.

و در برابر مشکلات و سختیهای دینداری، مقاومت ورزند. مقام معظم رهبری دام عزه در سخنی گویا و راهبردی، به تبیین معنای انتظار پرداخته اند: انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما

ص: 96

1- وسائل الشیعة، ج 27، ص 131، ح 33401.

2- «و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم»؛ قصص: 5 و نیز آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور حضرت داود پیغمبر بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث میبرند؛ انبیاء: 105 و نور: 55.

3- افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج از خدای عزیز و جلیل است»؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص 644، ح 3.

باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده ای این اعتقاد را وسیله ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار میدهند؛ این غلط است ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه به عکس ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.

اعتقاد به امام زمان علیه السلام به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان میآید و اوضاع را درست می کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم؟ چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم؟! این مثل آن است که در شب تاریک انسان چراغ روشن نکند چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه ی دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم(1).

این نوشتار را با دل گویه های حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «نائب آن یار سفر کرده به پایان می بریم

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است

جان را هوای از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان

بانگ جرس زشوق به منزل رسیدن است

شامم سیه تر است زگیسوی سرکشت

خورشید من برای که وقت دمیدن است

انشاء الله همه ما بتوانیم با عمل به ،وظیفه بستر ساز ظهور حضرتش

ص: 97

باشيم واز امتحان «غيبت امام زمان سربلند خارج گرديم. اللهم عجل لوليک الفرج والسلام عليكم وعلى عباد الله الصالحين

ص: 98

اینک از باب تیمن و تبرک به چهارده نور الهی، به چهارده سخن نورانی آن حضرت اشاره نموده، توشه ای ماندگار برای امروز و آینده خویش برمی گیریم.

1. (خَصَّ لِمَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ الْأَيْمَانُ بِاللَّهِ وَنَفْعُ الْأَخْوَانِ)؛ دو خصلت و حالتی که والا تر از آن دو چیز نمی باشد عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند و نفع رساندن به دوستان و آشنایان. (1)

2. (حُسْنُ الصُّورِ جَمَالُ ظَاهِرٍ وَحُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالُ بَاطِنٍ)؛ نیکویی شکل و قیافه، زیبایی و جمال ظاهر انسان است و نیکو بودن عقل و درایت زیبایی و جمال درونی انسان. (2)

3. (مِنْ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظُّهَرَ جَارِئُ رَأْيِ حَسَنَةٍ أَطْفَأَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا)؛ یکی از مصائب و ناراحتی های کمر شکن، همسایه ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود، آن را پنهان و مخفی می دارد و اگر ناراحتی و اذیتی متوجه اش گردد، آن را علنی و آشکار می سازد. (3)

4. (مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ)؛ هر کس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده و چنان چه علنی باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است. (4)

5. (مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُدْلِيهِ)؛ چه زشت است که مؤمن آرزو و خواسته ای داشته باشد که سبب ذلت و خواری او گردد. (5)

6. (مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَالْحِلْمُ خُلَّتَهُ، كَثُرَ صَدِيقُهُ وَانْقُصَتْ أَعْدَاؤُهُ)؛ هر کس که ورع، کرم، حلم و شجاعت از طبیعت او باشد، دوستان او زیاد و دشمنان او کم می شود.

ص: 100

1- . تحف العقول، ص 489

2- بحار الانوار، ج 1، ص 95

3- . بحار الانوار، ج 75 ص 372

4- . تحف العقول، ص 489

5- بحار الانوار، ج 75، ص 374

عَلَيْهِ؛ هرکس ورع و احتیاط روش زندگیش بزرگ واری و سخاوت، عادت و برنامه اش و صبر و برد باری برنامه اش باشد؛ دوستانش زیاد و تعریف کنندگانش بسیار خواهند بود». (1)

7. (لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضَى مُوْنٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ)؛ مواظب باش که طلب روزی که از طرف خداوند متعال تضمین شده تو را از انجام واجبات باز ندارد». (2)

8. (إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ)؛ رسیدن به خداوند عزوجل سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نمی گردد». (3)

9. (صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ)؛ دوست نادان، مایه رنج و زحمت است». (4)

10. (اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا)؛ تقوا را پیشه خود سازید و اسباب آبروی ما باشید، نه مایه ننگ و شرم ساری». (5)

11. (جُرْأَةُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ)؛ جسارت فرزند به پدر در خردسالی در بزرگ سالی او را به سمت عاق والدین شدن می کشاند». (6)

12. (لَا تُمَارِ فَيَذْهَبُ بِهَاؤُكَ ، وَلَا تُمَارَحْ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ)؛ با کسی جدال و نزاع نکن، زیرا بهاء و ارزش خود را از دست می دهی و با کسی شوخی و مزاح نا شایسته و بی مورد نکن وگرنه افراد بر تو جرأت و جسارت خواهند کرد». (7)

13. (مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلٌّ ، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزٌّ)؛ حق و حقیقت را هیچ صاحب مقام و عزیزی ترک و رها نکرد مگر آن که ذلیل و خوار گردید؛

ص: 101

1- بحار الانوار، ج 75، ص 379

2- تحف العقول، ص 489

3- . بحار الانوار، ج 75 ص 380

4- تحف العقول، ص 489

5- . تحف العقول، ص 488 مستدرک سفینه البحار، ج 10 ، ص 356

6- . تحف العقول، ص 486.

7- بحار الانوار، ج 75، ص 374 .

در این فصل، مشخصات برخی از کتاب های تألیف شده پیرامون زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام به صورت فهرست وار تقدیم می گردد؛ باشد که موجب راهنمایی و تسهیل دسترسی محققان، مبلغان و پژوهش گران محترم به منابع این موضوع شود.

1. حیاة الامام العسکری علیه السلام ، محمد جواد طبسی، قم، بوستان کتاب، 1382.
2. آخرین خورشید پیدا نگرش کوتاه برزندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران ، 1375.
3. الامام العسکری علیه السلام، شیخ محمد رضا حکیمی حائری، مؤسسة الأعلمی، 412ق.
4. اعلام الهدایة، الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت، 1422ق.
5. با خورشید سامرا؛ تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، محمد جواد طبسی حائری ترجمه عباس جلالی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1379 .
6. امام حسن عسکری علیه السلام ، کاظم، ارفع، تهران، فیض کاشانی، 1379.
7. الامام الحادی عشر الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، گروهی از نویسندگان ترجمه محمد عبدالمنعم، خاقانی، قم، مؤسسه در راه حق. 1370.
8. زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رضا استادی، قم، دفتر نشر برگزیده، 1380.
9. حیات پاکان داستان هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام و امام مهدی فورد العربی، مهدی محدثی مؤسسه بوستان کتاب قم، ج 5، 1383.

10. هدایت گران راه نور زندگانی حضرت حسن عسکری علیه السلام، سید محمد تقی، مدرسی مترجم محمد صادق، شریعت محبان الحسین، ج 13، چاپ 1379، 2.
11. پرتوی از زندگی چهارده معصوم علیهم السلام نگاهی بر زندگی امام حسن عسکری، محمد محمدی اشتهاردی ارتش جمهوری اسلامی ایران اداره عقیدتی سیاسی
12. زندگانی عسکریین و تاریخ چه سامرا، ابوالقاسم سحاب، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، 1375ق.
13. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، باقر شریف، قرشی ترجمه سید حسن، اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1374.
14. زندگی و سیمای امام حسن عسکری علیه السلام، محمد تقی مدرسی ترجمه محمد صادق، شریعت، تهران، انصار الحسین علیه السلام، 1372.
15. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نسل جوان، 1356.
16. سخنان گهر بار امام حسن عسکری علیه السلام منصور کریمیان، تهران، اشرفی 1380.
17. ستارگان درخشان؛ سرگذشت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، محمد جواد، نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، 1381.
18. مسند الامام العسکری ابو محمد الحسن بن علی علیهما السلام، عزیز الله، عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، 1410 ق.
19. نگاهی بر زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، محمد محمدی اشتهاردی تهران، نشر مطهر، 1374.

20. غریب تنها زندگی امام حسن عسکری علیه السّلام، مهدی شمس الدین، قم، نورنگار، 1377.
21. آشنایی با معصومین؛ معصوم سیزدهم امام حسن عسکری علیه السّلام، مهدی آیت، الهی، تهران، جهان آرا، 1370.
22. الامام الحسن العسکری علیه السّلام، گروه نویسندگان، تهران، مؤسسة البلاغ، 1410 ق.
23. دعای عاشقان شیخ عباس قمی به اهتمام حسین، نورائی، تهران، هیراد بشارت، 1380.
24. داستان زندگی امام حسن عسکری علیه السّلام امیر مهدی مراد، حاصل تهران کانون انتشارات پیام نور 1378.
25. آفتاب در زندان سعید آل رسول، تهران، بنیاد بعثت، 1375.
26. الامام الحسن العسکری علیه السّلام ان من المهد الى اللحد، سید محمد کاظم حائری، قزوینی، قم، کتاب فروشی بصیرتی، 1413 ق.
27. امام حسن عسکری (امام یازدهم)، عباس قدیانی، تهران فردا به 1378.
28. الامام الحادی عشر الحسن العسکری علیه السّلام، شیخ محمد حسن قبیسی عاملی بیروت، 1403 ق.
29. الامام الحسن العسکری علیه السّلام (مصوّر)، سید مهدی آیت الهی، ترجمه کمال السید، قم، انصاریان، 1374.
30. داستان هایی از امام هادی و امام حسن عسکری علیه السّلام، قاسم میر خلف زاده قم، مهدی یار، 1380.
31. در آستانه غیبت زندگانی امام حسن عسکری علیه السّلام، محمد دشتی و مهدی

،صادقی، تهران، فیض کاشانی، 1377.

32. سیره عملی اهل بیت علیهم السلام امام حسن عسکری علیه السلام، سید کاظم، ارفع، فیض کاشانی، چاپ اول، 1370.

33. الامام العسکری علیه السلام، قدوة و اسوة سيد محمد تقی، مدرّسی، تهران، رابطة الاخوة الاسلامیة، 1404ق.

34. برگزیدگان؛ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، عبد الله طاهر خانی، تهران بنیاد بعثت، 1373.

35. تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، باقر شریف، قرشی مشهد کنگره جهانی حضرت رضا عا، 1371.

36. جلد 50 بحار الانوار علامه مجلسی چاپ مؤسسه وفاء بیروت و نیز ترجمه جلد دوازدهم بحار الانوار زندگانی حضرت امام محمد تقی و امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهم السلام، محمد باقر مجلسی ترجمه موسی خسروی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، 1379 ق.

37. تحلیلی از زندگی و زمان امام عسکری، گروهی از نویسندگان، قم، مؤسسه احیاء و نشر میراث اسلامی، 1357.

38. تفسیر فاتحة الكتاب از امام حسن عسکری علیه السلام و پژوهشی پیرامون، آن عبدالحسین، امینی ترجمه قدرت الله حسینی شاه مرادی، تهران، حدیث، 1376.

39. التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام، سید محمد باقر موحد ابطحی، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام، 1409 ق.

40. چهل حدیث سیره، عسکریین امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام، سید حسین زینالی تیلی، قم، نشر معروف، 1378.

41. چهل داستان و چهل حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام عبدالله صالحی نجف آبادی، قم، مهدی، یار، 1381.
42. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، منصور، کریمیان، تهران، اشرفی، 1379.
43. شهر بی حصار داستان زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، رضا، شیرازی، تهران، پیام آزادی، 1374.
44. کرامات و مقامات عرفانی امام حسن عسکری علیه السلام، علی حسینی قمی، قم، نبوغ، 1381.
45. سرگذشت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، محمد جواد نجفی، تهران کتاب فروشی اسلامیة.
46. عجائب و معجزات شگفت انگیزی از امام حسن عسکری علیه السلام، گل یاس، 1379.
47. سیمای سامرا؛ سینیای سه موسی، محمد صحتی سر در ودی، تهران، 1374.
48. تاریخ سامرا، ذبیح الله محلاتی، ج 3، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، 1388ق.
49. ذکر مولد الامام الحسن العسکری علیه السلام، گروهی از نویسندگان نجف مطبعة الغری، 1386ق.
50. راز بزرگ؛ مهدی، رحیمی، تهران، بنیاد بعثت، 1375.
51. ولادة الامام الحسن العسکری علیه السلام، سید محمد حسین طالقانی نجف مطبعة الحیدریه، 1378ق.
52. بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، سیده فاطمه هاشمی بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1386.
53. چهره های درخشان سامرا حضرت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

علی ربانی خلخالی، مکتب الحسین علیه السلام، 1386.

54. زندگانی عسکریین علیهما السلام امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام، عباس حاجیانی، دشتی موعود، اسلام، 1386.

55. در مکتب امام حسن عسکری علیه السلام، علی، قائمی، پیام مقدس، 1385.

56. فرهنگ جامع سخنان امام حسن عسکری علیه السلام همراه با متن کتاب موسوعة کلمات الامام الحسن العسکری علیه السلام، مترجم جواد محدثی نشر معروف، 1385.

57. کرامات و مقامات عرفانی امام حسن عسکری علیه السلام، سید علی حسینی نبوغ 1381.

58. همیشه در محاصره حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، مهدی مراد حاصل ادبیات نوجوانان موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، 1390.

59. امام مهدی و منتظران از زبان امام عسکری امیر محمد داودی پور یاس نگار، 1393.

60. حکمت های عسکری ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام جواد، محدثی، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، 1392.

61. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، احمد احمدی بیرجندی، به نشر انتشارات آستان قدس رضوی، 1392.

62. شهریار نیکی برگزیده ای از سیره ی امام حسن عسکری علیه السلام (برگرفته از کتاب چهار ده آینه خورشید، ابو الفضل هادی منش، بهار دل ها، 1392.

63. اسوه استقامت مباحثی پیرامون سیره امام یازدهم حضرت حسن عسکری علیه السلام سید محمد رضا طباطبایی، نسب، مؤسسه فرهنگی نور الائمة علیهم السلام، 1391.

64. آشنایی با حضرت امام هادی و حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام، برگرفته از منتهی الامال شیخ عباس قمی دریای معرفت 1391.
65. زندگی امام حسن عسکری علیه السلام تحقیقی درباره حیات، فرهنگی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی دوره، امام علی اکبر، جهانی شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1391.
66. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام باقر شریف، قرشی مترجم سید حسن اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1391.
67. از مدینه تا سامرا امام حسن عسکری علیه السلام، تقی متقی موسسه فرهنگی انتشاراتی نقش 1392.
68. فرهنگ جامع سخنان امام حسن عسکری علیه السلام محمود شریفی، سید حسین سجادی تبار، بهاء الدین قهرمانی، نژاد شرکت چاپ و نشر بین الملل 1386.
69. عجایب و معجزات شگفت انگیزی از امام حسن عسکری علیه السلام (اثبات حقانیت تشیع)، واحد تحقیقاتی گل نرگس ال الان، شاکر، 1390.
70. امام عسکری علیه السلام الگوی زندگی حبیب الله احمدی، فاطیما، 1393.
71. سیری در زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، محمد حسین زارعی مسجد مقدس جمکران، 1388.
72. آفتاب نیمه شب؛ روایت داستانی زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، فاطمه مستغنی، سازمان فرهنگی تفریحی شهر داری اصفهان 1386.
73. هفتاد و دو درس زندگی از سیره عملی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گرد آورنده: حمید رضا کفاش، 1383.
74. سوار سبزپوش: آرزو ها روایتی نو از زندگانی امام هادی و امام حسن

عسکری علیه السلام تا آغاز غیبت کبرای امام زمان با کمال سید مترجم سید حسین سیدی ، اشکذر نسیم اندیشه، 1390.

75. دیدار شیرین؛ گزیده ای از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، مسلم ،ناصری تهران، پیام آزادی، 1381.

76. آسمان چشمان تو چهل حکایت از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، ناصر نادری، پیام محراب، 1383 .

77. آن روز آن اتفاق داستان هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام محمود پور وهاب موسسه بوستان کتاب قم ، 1383.

78. زندگانی و سیره اهل بیت علیهم السلام برای نوجوانان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ، لطیف راشدی نویسنده: محمدرضا راشدی، قم، لاهوتیان1388.

79. از پس ،ابر محمد رضا بایرامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران ، 1389.

80. ماه در میان نیزه ها کوتاهه هایی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام ، مهدی قزلی، امیر کبیر، 1392. [\(1\)](#)

والحمد لله ؛ والسلام علی من اتبع الهدی.

ص: 111

1- به نقل از خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و نشریه فرهنگ ، کوثر، زمستان 1382 شماره 60 (کتاب شناسی امام عسکری).

(اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ)

خدایا، ولی ات حضرت حجة بن الحسن را

صَلِّوْا تُكَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ اَبَائِهِ

که درود های تو بر او و بر پدرانش باد

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ

در این لحظه و در تمام لحظات

وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا

سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دید بان باش

حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا

تا او را به صورتی که خوشایند اوست ساکن زمین گردانیده

و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

و مدت زمان طولانی در آن بهره مند سازی)

ص: 112

1..... در زمان خود به احترام انتساب به امام رضا علیه السلام (ابن الرضا) نامیده میشدند.

الف) امام جواد علیه السلام

ب) امام هادی علیه السلام

ج) امام عسگری علیه السلام

د) همه موارد

2. القاب زکی و سراج از القاب امام حسن عسگری علیه السلام به معنای.....می باشد.

الف) پاک و آراسته . چراغ فروزان

ب) منزّه از هر عیب چراغ روشن

ج) منزّه از هر عیب راه روشن

د) پاک و آراسته . ستاره درخشان

3. کدام پاسخ ناصحیح است:

به چه علت فشار دشمنان و خلفا در زمان امام حسن عسگری علیه السلام به اوج خود رسید؟

الف) افزایش قدرت شیعیان و اعتراضات مردمی

ب) بی برنامه‌گی و حفظ محاسباتی در امور سیاسی

ج) اطلاع از احادیث متواتر پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه واله مبنی بر تولد حضرت مهدی از نسل حضرت زهرا علیها السلام و از بین بردن ظلم و ستم د کنترل حضرت امام حسن عسگری علیه السلام

4 در دوران امام حسن عسگری علیه السلام بخاطر مشکلات و فشارها مومنین مأمور به.....بودند.

الف) قیام

ج) تقیه

ب) سکوت

د) بی تفاوتی و بی توجهی به حکومت وقت

5- کدام گزینه از فعالیتهای سیاسی اجتماعی حضرت محسوب نمیشود؟

الف) حمایت و پشتیبانی از شیعیان جهت قیام علیه حکومت عباسیان

ب) رد اشکالها و شبهات مخالفان و دفاع از اسلام

ج) ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان

د) آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام

6. باتوجه به سخنان امام حسن عسگری علیه السلام به نصیر خادم می توان گفت:..... از نشانه های امامت نیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خدا، نزدیکتر است.

الف) آگاهی از زبانها

ب) علم به تعبیر خواب و رویا

ج) علم به حوادث آینده

د) شناخت نسبها

7- امام حسن عسگری علیه السلام در اهمیت گفتن بسم الله الرحمن الرحيم و در بیان عظمت آن فرمودند:

الف) از گنجهای عظیم الهی به انسان

ب) از پرتو خورشید به خورشید

ج) از سیاهی چشم به سفیدی اش

د) از رگ گردن به انسان

8- براساس آیه 24 سوره مبارکه انفال شرط رسیدن به سعادت و حیات طیبه چیست؟

الف) مبارزه با هواهای نفسانی

ب) مبارزه در راه خدای متعال

ج) اجابت خدای متعال

(د) اجابت خدا و رسول خدا _

9. مقام معظم رهبری (مدظله العالی در تلاش برای کسب معنویت در زندگی فرمودند :

بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد، ثروت و قدرت به دست می آید اما به دست نمی آید».

(الف) سعادت

(ب) دین

(ج) معنویت

(د) اخلاق

10- امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: «کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسایل اخلاقی و حقوق مردم را نکند تقوا الهی را رعایت نمی کند؛ با توجه به این حدیث چه عاملی باعث جرأت به گناه میشود؟

(الف) بی نمازی

(ب) بی حیایی

(ج) ترک جهاد در راه خدا

(د) ترک امر به معرف و نهی از منکر

11. امام حسن عسگری علیه السلام و را از علامات مؤمنین شمرده اند

(الف) بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم _ قرائت قرآن

(ب) خواندن روزی یک صفحه قرآن خواندن نماز شب

(ج) زیارت اربعین - 51 رکعت نماز در هر روز

(د) سجده کردن . کمک به نیاز مندان

12 این حدیث از کدام معصوم است؟

عمرهای شما رو به کاهش است ، دوران شما محدود است، مرگ ناگهان فرا میرسد و هر که نیکی بکارد خوشی درو میکند و هر کسی زشتی

بکارد پشیمانی درو میکند.

الف) امام علی علیه السلام

ب) امام حسین علیه السلام

ج) امام صادق علیه السلام

د) امام حسن عسگری علیه السلام

13. امام حسن عسگری علیه السلام در تبیین جایگاه آل محمد علیهم السلام و در آیه 32 تفسیر سوره فاطر. فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ...؛ فرمودند:

الف) (ظالم لنفسه کسی است که اقرار به امام ننموده و (مقتصد) کسی است که عارف به مقام امام است و سابق بالخیرات امامان معصوم هستند

ب) (ظالم لنفسه) شیعیان گناهکار (مقتصد) شیعیان مومن و (سابق بالخیرات) علما و عرفای شیعه هستند

ج) (ظالم لنفسه) دشمنان اهل بیت علیهم السلام (مقتصد) شیعیان اهل بیت علیهم السلام و (سابق بالخیرات) امام شیعه هستند.

د) (ظالم لنفسه) مشرکان و کفار (مقتصد) شیعیان و (سابق بالخیرات) علمای شیعه هستند

14. از نظر امام حسن عسگری الله عابدترین و زاهدترین مردم چه کسی است؟

الف) عابدترین مردم کسی است که در موارد شبهه توقف کند و زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک کند.

ب) عابدترین مردم کسی است که در برپایی واجبات استوار باشد و زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک کند.

ج) عابدترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند و زاهدترین مردم

کسی است که واجبات را انجام دهد.

(د) عابدترین مردم کسی است که حرام را ترک کند و زاهدترین مردم کسی است که در مورد شبهه توقف کند.

15. راهکار طراوت ایمان در کلام امام حسن عسگری علیه السلام چیست؟

الف ذکر یاد خداوند متعال

ج) انس با قرآن

ب) یادآوری مرگ

د) همه موارد

16- چه گناهی به عنوان تله شیطان معرفی می شود؟

الف) خودبینی

ب) ارتکاب گناهان صغیره

ج) دروغ

د) ریا

17. شخصی که در دوران امام عسگری علیه السلام به زعم خود تناقضات بسیاری در قرآن پیدا کرده بود چه نام داشت؟

الف) اسحاق کندی

ب) جاثلیق مسیحی

ج) محمد بن شبیر

د) عبدالله بن عون

18 - مهمترین اقدام امام هادی و امام عسگری علیه السلام برای آماده سازی مردم جهت دوران غیبت امام زمان علیه السلام چه بوده است؟

الف) معرفی صریح امام زمان علیه السلام به مردم

ب) ایجاد شبکه ارتباطی وکلا

ج) محدود کردن ارتباط مردمی

د) بیان فضیلت‌های ایمان به غیبت

19 - ابوالادیان چه مسئولیتی در دوران امام حسن عسگری علیه السلام داشت؟

الف) مأمور ویژه دربار برای بازرسی از بیت امام بوده است.

ب) نامه رسان امام بوده است.

ج) زندانبان امام که بعدها از شیعیان خاص ایشان شد.

د) کسی که خبر تولد امام زمان علیه السلام را داده است.

ص: 117

20 - امام حسن عسگری علیه السلام برای معرفی امام زمان چه اقدامی انجام دادند؟

الف) نشان دادن حضرت مهدی علیه السلام به خواص

ب) اعلام خبر تولد ایشان از طریق نامه نگاری

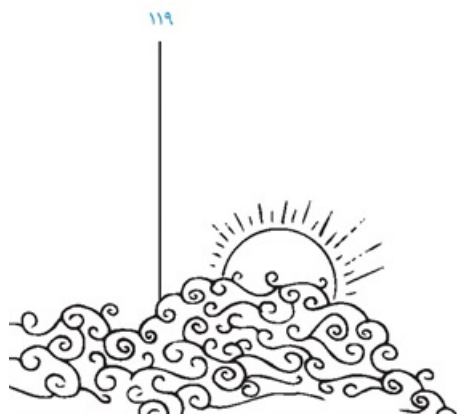
ج) اعلان عمومی تولد حضرت در سامرا

د) گزینه (الف) و (ب) صحیح میباشد

ص: 118

پاسخنامه

ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د
۱					۱۱				
۲					۱۲				
۳					۱۳				
۴					۱۴				
۵					۱۵				
۶					۱۶				
۷					۱۷				
۸					۱۸				
۹					۱۹				
۱۰					۲۰				



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی
خاتمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

